

رویکرد تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در برابر برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی

گلناب دارابی^۱

سید محمد طباطبایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۲۶

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و ششم - بهار ۱۳۹۹

چکیده

امریکا از اوایل دهه ۹۰ میلادی تاکنون، برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی تلاش بسیاری انجام داده است. در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی و با رویکردی تطبیقی ابعاد دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی سیاست آمریکا در رویارویی با برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی بررسی شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که به‌رغم تفاوت اهداف این دو کشور در پیگیری برنامه هسته‌ای، ایران نسبت به کره شمالی بیشتر تحت فشار سیاسی - اقتصادی و تهدید نظامی قرار گرفته است. در این مدت، همه دولت‌های دموکرات و جمهوری خواه رویکرد تعاملی با کره شمالی را به صورت دو و چندجانبه آزموده‌اند، در حالی که این رویکرد در برابر ایران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. توافق ناشی از تعامل (برجام) نیز مدت کوتاهی بعد از حصول، دوام نیاورد و آمریکا از آن خارج شد. تحریم و تشدید فشار اقتصادی علیه ایران در چارچوب کمپین فشار حداکثری دولت ترامپ خیلی زود بخش‌های مهم اقتصاد ایران را در بر گرفت. در حوزه نظامی اگرچه دو کشور همواره در معرض تهدید به حمله نظامی بوده‌اند، اما این گزینه در خصوص ایران بیشتر مورد توجه سیاستمداران و نخبگان فکری آمریکا بوده است. برای بررسی چرایی این موضوع از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک استفاده شد که بر اساس آن گزینه‌های منتخب در قبال ایران و کره شمالی تحت تأثیر عوامل سیستمی و داخلی قرار دارد. علاوه بر منافع قدرت‌های جهانی (چین و روسیه)، منافع متحدان منطقه‌ای آمریکا در شمال شرق و جنوب غربی آسیا هم از عوامل مهم سیستمی تأثیرگذار بر سیاست واشنگتن در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی است. در حالی که ژاپن و کره جنوبی اغلب خواستار مذاکره و تعامل برای حل معضل هسته‌ای کره شمالی هستند؛ متحدان عرب و صهیونیستی آمریکا تشدید فشار علیه ایران و حتی استفاده از زور را پیشنهاد داده‌اند. از سوی دیگر هرچند کره شمالی می‌تواند کرانه غربی آمریکا را هدف قرار دهد، اما آمریکایی‌ها تصور می‌کنند کره شمالی احتمالاً به دلیل ایجاد توازن راهبردی با آمریکا در واکنش به اقدام تهاجمی آمریکا و متحدان آن، به خاک آمریکا حمله خواهد کرد. آمریکایی‌ها ایدئولوژی جمهوری اسلامی را دشمن تلقی می‌کنند و بر این باورند که پیشرفت هسته‌ای، احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را افزایش می‌دهد و در نتیجه منافع آمریکا در منطقه و حتی جهان به خطر می‌افتد. نتیجه حاصل از عوامل سیستمی و داخلی، تشدید فشار علیه ایران و کاهش فشار علیه کره شمالی است.

واژگان کلیدی

برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی؛ تعامل؛ تحریم؛ تهدید؛ عوامل سیستمی و داخلی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

g.darabi@atu.ac.ir

tabasm@yahoo.ir

مقدمه

سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پایان دادن به رقابت‌های جنگ سرد، معادلات امنیت بین‌الملل را تغییر داد. با امضای موافقت‌نامه‌های کنترل سلاح بین آمریکا و روسیه، تنش در روابط بین دو کشور کاهش یافت و سیاست آمریکا بر این مبنا قرار گرفت که به جای محدودیت و خلع سلاح هسته‌ای تمرکز خود را بر فعالیت هسته‌ای دو گروه از کشورها قرار دهد: «اشاعه دهندگان» که از نظر آمریکا عراق، لیبی، کره شمالی و ایران را شامل می‌شدند و «حامیان» به ویژه روسیه و پاکستان که به دلیل کنترل ناکافی بر سلاح‌ها و فناوری‌های حساس ممکن بود توان ساخت این تسلیحات را در اختیار دیگر دولت‌ها یا حتی یک بازیگر غیردولتی مانند القاعده قرار دهند (U.S. Counterproliferation Policy, 2005).

عراق، پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، جاه‌طلبی هسته‌ای را رها کرد؛ لیبی هم دسامبر ۲۰۰۳، با کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای و استقبال از بازرسان بین‌المللی برای تأیید این ادعا، جهان را متحیر ساخت (Davenport, 2018). در نتیجه، تمرکز دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا بر دو کشور ایران و کره شمالی تا زمان حاضر ادامه یافته است.

از زمانی که آمریکا سلاح‌های هسته‌ای خود را به شبه‌جزیره کره منتقل کرد، تلاش کره شمالی برای هسته‌ای شدن آغاز شد. پیونگ‌یانگ در سال ۱۹۵۶ با امضای دو توافق‌نامه همکاری هسته‌ای با مسکو، دانشمندان فیزیک هسته‌ای خود را برای آموزش به شوروی فرستاد و در سال ۱۹۶۷ با کمک این کشور، ساخت راکتور پنج مگاواتی برای تولید پلوتونیوم را در دستور کار قرار داد (Wit, Poneman, Gallucci, 2004: 2). با پایان جنگ سرد و خروج تسلیحات راهبردی آمریکا از شبه‌جزیره کره، پیونگ‌یانگ توافقی را در خصوص عاری‌سازی شبه‌جزیره از تسلیحات هسته‌ای با سئول به امضا رساند و ضمن پیوستن به توافق‌نامه جامع پادمان (ژانویه ۱۹۹۲)، درهای تأسیسات هسته‌ای را به روی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گشود. گزارش آژانس بعد از شش دوره بازرسی (از می ۱۹۹۲ تا فوریه ۱۹۹۳) حاکی از آن بود که کره شمالی بیشتر از مقدار اعلام شده، پلوتونیوم پردازش کرده است. در واکنش به درخواست «بازرسی‌های ویژه» آژانس، کره شمالی سایت‌های مشکوک را نظامی و خارج از محدوده بازرسی اعلام و تهدید کرد از معاهده عدم اشاعه خارج خواهد شد (Leventhal & Dolley, 1994).

پس از سفر جیمی کارتر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به پیونگ‌یانگ و گفت‌وگو با کیم ایل‌سونگ رهبر کره شمالی، بحران فروکش کرد. توافق ۱۹۹۴ آمریکا و کره شمالی، حدود یک دهه برنامه پلوتونیوم کره شمالی را متوقف کرد، اما هیچ‌یک از طرفین کاملاً از اجرای آن رضایت نداشتند. آمریکا از تأخیر بازرسی‌ها درباره فعالیت‌های هسته‌ای و



کره شمالی نیز از تأخیر در ساخت راکتورهای آب سبک ناراضی بود.

اکتبر ۲۰۰۲ پس از آنکه دولت آمریکا به بهانه وجود برنامه مخفی غنی‌سازی اورانیوم در کره شمالی، تعهدات خود را در این توافق معلق کرد، بحران دوم آغاز شد. در این مرحله، کره شمالی با فک پلمپ تأسیسات هسته‌ای، بازرسان آژانس را اخراج کرد و از معاهده عدم اشاعه خارج شد (Beal, 2005: 116). با افزایش بحران و با هدف پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته‌ای پیونگ‌یانگ، آوریل ۲۰۰۳ گفت‌وگوی چندجانبه پکن آغاز شد؛ اما این روند نتوانست برنامه هسته‌ای کره شمالی را متوقف نماید. اکتبر ۲۰۰۶، نخستین آزمایش هسته‌ای پیونگ‌یانگ انجام شد؛ کره شمالی از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ نیز پنج سلاح هسته‌ای دیگر آزمایش کرد. با این همه تنها در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما بود که مذاکره با کره شمالی در اولویت قرار نگرفت و این کشور با تحریم‌های جامع کنگره آمریکا روبه‌رو شد. برخلاف کره شمالی که از آغاز در پی کسب سلاح هسته‌ای بود (Bermudez, 1999).

ایران فعالیت خود را با هدف استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای کلید زد. آمریکا نخستین کشوری بود که ایران را برای دستیابی به فناوری هسته‌ای ترغیب کرد. ایران که پانزدهم ژوئیه ۱۹۶۸، پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده بود، سال ۱۹۷۴، موافقت‌نامه پادمان را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به امضا رساند و تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس قرار داد (Reardon, 2012: 10). وقوع انقلاب اسلامی، اشتیاق آمریکا، فرانسه و آلمان را به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی هسته‌ای ایران تحت تأثیر قرار داد؛ مارس ۱۹۷۹، فرانسه و آلمان قراردادهای تأمین راکتورهای ایران را متوقف و دانشمندان و کارکنان خود را از ایران خارج کردند. آمریکا هم با کنترل صادرات هسته‌ای، نام ایران را به فهرست کشورهای تحت محدودیت اضافه کرد. ایران ناامید از شرکت‌های اروپایی، با دیگر کشورهای دارای توانمندی هسته‌ای مذاکره کرد و ژانویه ۱۹۹۵ قرارداد تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را با روسیه به امضا رساند. به گفته وزیر وقت انرژی اتمی روسیه، روابط هسته‌ای مسکو و تهران «برگ برنده» سیاست خارجی کرملین بود که از طریق آن می‌توانست فرصتی برای چانه‌زنی با آمریکا داشته باشد (Berman, 2005: 35).

آمریکا در دهه ۱۹۹۰ با فشار دیپلماتیک و اعمال تحریم‌های ثانویه، از سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران و نیز دسترسی ایران به فناوری هسته‌ای ممانعت می‌کرد. بنابراین ایران به‌رغم حق برخورداری از فناوری و کمک هسته‌ای در ماده چهارم آن. پی. تی. نمی‌توانست به دیگران متکی باشد. ۱۴ اوت ۲۰۰۲، پس از آنکه سخنگوی یکی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، مدعی وجود تأسیسات هسته‌ای مخفی در نطنز و اراک شد، فشارها علیه ایران افزایش یافت. هرچند جزئیات این ادعا مشخص نبود و

مدعیان آن هم در لیست گروه‌های تروریستی وزارت خارجه امریکا بودند، سخنگوی وزارت خارجه امریکا به این خبر واکنش نشان داد و اظهار داشت: «احتمالاً این امکانات در چارچوب برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز نیست و ایران در حال ساخت سایت هسته‌ای زیرزمینی برای تهیه مواد شکافت‌پذیر است» (US Department of State, 2002).

جمهوری اسلامی برای نشان دادن حسن‌نیت از بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استقبال کرد، اما زمانی که آژانس از کشف آثار اورانیوم با درصد غنای بالا در برخی تأسیسات هسته‌ای خبر داد، فشار برای ارسال پرونده هسته‌ای ایران از آژانس به شورای امنیت افزایش یافت. تهران که با هدف کاهش تنش با انگلستان، فرانسه و آلمان وارد مذاکره شده بود، آگوست ۲۰۰۵ پس از ناکامی در دستیابی به تضمین عینی، با تأکید بر حق قانونی خود برای غنی‌سازی، تأسیسات هسته‌ای اصفهان را فک پلمپ کرد و فعالیت هسته‌ای را از سر گرفت. با ارجاع پرونده به شورای امنیت فشارهای یک‌جانبه و چندجانبه بر ایران افزایش یافت، اما ایران ضمن پایبندی به معاهده منع اشاعه، فرایند غنی‌سازی اورانیوم را تکمیل کرد و از آژانس درباره فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای تأیید گرفت. در این مدت فشارهای تحریمی امریکا افزایش یافت؛ تنها در دوره ریاست‌جمهوری اوباما در کنار این فشارها تعامل با ایران در دستور کار قرار گرفت و نهایتاً به توافق برجام منتهی شد؛ توافقی که ضمن ارائه امتیاز، خواستار محدود کردن فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بود. دو سال بعد، با خروج امریکا از توافق، بار دیگر فشار علیه ایران افزایش یافت.

پژوهش حاضر در پی بررسی وجوه تمایز و تشابه سیاست امریکا در برخورد با موضوع هسته‌ای ایران و کره‌شمالی و عوامل مؤثر بر آن است. به‌رغم تفاوت هدف و نتیجه برنامه هسته‌ای دو کشور استدلال این است که محدودیت‌های سیاست امریکا در شرق و جنوب غرب آسیا و ویژگی‌های سیاست داخلی این کشور از جمله ادراک نخبگان و روابط نهادها باعث شده است امریکا در برابر برنامه هسته‌ای ایران، بیشتر از تحریم به‌عنوان مؤلفه اصلی مهار (زهرانی، ۱۳۸۹) بهره بگیرد و در برابر برنامه هسته‌ای کره‌شمالی رویکرد تعاملی را مد نظر قرار دهد.

توجه هم‌زمان به متغیرهای سیستمی و داخلی در تحلیل سیاست خارجی کشورها، از ابتکارات برخی نظریه‌های روابط بین‌الملل از جمله رئالیسم نئوکلاسیک است؛ از این رو در این پژوهش پس از تطبیق سیاست امریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و کره‌شمالی، با استفاده از چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک عوامل مؤثر بر این سیاست تبیین خواهد شد. روش گردآوری اطلاعات، اسنادی است و بینش تحلیلی از تحلیل محتوای منابع اولیه و ثانویه شامل راهبرد امنیت ملی امریکا، سخنرانی مقامات، نمایندگان کنگره و اعضای



اندیشکده‌ها، اسناد رسمی و گزارشات، مقالات، کتاب‌ها و رسانه‌ها حاصل خواهد شد.

مبانی نظری

اصطلاح «رنالیسم نئوکلاسیک» را گیدئون رز، دو دهه قبل به‌طور خاص در اشاره به کتاب‌های توماس کریستنسن، راندال شولر، ویلیام ولفورث و فرید زکریا و همچنین مجموعه مقالاتی که در مجله امنیت بین‌الملل منتشر شده بود، به‌کارگرفت. از منظر رز، پنج رویکرد در مکتب رنالیسم وجود دارد: رنالیسم کلاسیک، نئورنالیسم، رنالیسم تهاجمی، رنالیسم تدافعی و رنالیسم نئوکلاسیک که هر یک از آنها با درک خاصی از آنارشی، ارزش متفاوتی برای متغیرهای داخلی در توضیح رفتار دولت‌ها قائل هستند. نئورنالیسم که به‌دنبال توضیح نتایج تعاملات دولت‌هاست، از رنالیسم تهاجمی، تدافعی و نئوکلاسیک به‌عنوان نظریه‌های رقابتی سیاست خارجی، مفاهیمی متفاوت دارد. البته آنها اصل مشترکی دارند: توزیع قدرت در عرصه بین‌الملل، متغیر مستقل برای توضیح سیاست‌های بین‌المللی یا سیاست خارجی دولت‌هاست. واگرایی اصلی آنها در راهبردهایی است که احتمالاً دولت‌ها به‌کار می‌گیرند؛ زیرا در مورد نقش و ماهیت آنارشی و نیز وزن متغیرهای داخلی برای توضیح رفتار دولت‌ها با هم اختلاف نظر دارند (Rose, 1998).

خروج رنالیسم نئوکلاسیک از مفروضات ساختاری آن دارای دو جنبه مرکزی است: نخست، در حالی که ساختارگرایان برای توضیح نتایج سیاست بین‌الملل تلاش می‌کنند، نئوکلاسیک‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که چرا یک دولت در زمان‌های مختلف، به دنبال راهبردهای خاص است. بنابراین کاری که رنالیسم نئوکلاسیک انجام می‌دهد، این است که نه‌تنها پاسخ دولتی خاص را در تاریخی خاص مشخص کند، بلکه چرایی آن را نیز تبیین نماید. دوم، در حالی که ساختارگرایان پیوند مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل سیستمی و نتایج سیاسی را مشاهده می‌کنند، نئوکلاسیک‌ها، درک نخبگان از توزیع قدرت و روند را به‌عنوان متغیرهای میانجی، حیاتی می‌دانند (Taliaferro, 2006: 40).

طبق این نظریه، شناخت پاسخ کشورها به محیط خارجی، مستلزم بررسی چگونگی تأثیر فشار سامانه از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحد است. این نظریه با پذیرش فرض پایه نئورنالیسم که نظام بین‌الملل سیاست خارجی دولت‌ها را محدود می‌سازد، استدلال می‌کند توزیع قدرت و محدودیت‌های ساختاری به‌تنهایی برای توضیح رفتار سیاست خارجی کافی نیست. برای رنالیست‌های نئوکلاسیک، عوامل نظام بین‌الملل، غیرقابل اجتناب است، زیرا در نظام آنارشیک، کشورهای نسبتاً قدرتمند به لحاظ اقتصادی و نظامی، نسبت به دیگر کشورها حوزه عمل وسیع‌تر و گزینه‌های سیاست‌گذاری بیشتری



دارند.

از آنجا که رئالیسم نئوکلاسیک از تحلیل چندسطحی استفاده می‌کند، بازیگر سطح واحد را به دقت بررسی می‌کند. از این منظر رفتار هر کشور لزوماً محصول سیستمی که دولت بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، نیست. بنابراین، دو کشور با چالش‌های یکسان سیستمی، بسته به ویژگی‌های داخلی خود، سیاست‌های متفاوت اتخاذ خواهند کرد. پیروان این رویکرد بر این باورند که تحلیل سیاست خارجی باید شامل تأثیرات سیستمیک و داخلی باشد.

این نظریه سیاست خارجی، تأثیرگذاری قدرت نسبی دولت در نظام بین‌الملل (متغیر مستقل) را بر سیاست خارجی و رفتار و راهبرد کشورها (متغیر وابسته) با توجه به ساختار دولت و برداشتها و برآوردهای تصمیم‌گیرندگان (متغیر میانجی) تحلیل می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۰ - ۲۷۹). بر این اساس توزیع بین‌المللی قدرت به‌طور مستقیم به رفتار سیاست خارجی منتقل نمی‌شود، بلکه توسط تصمیم‌گیران جذب و تفسیر می‌شود و بر مبنای آن راهبردها شکل می‌گیرد. در واقع رئالیست‌های نئوکلاسیک به دنبال گنجاندن ادراک در توضیح رفتار سیاست خارجی دولت‌ها هستند. آنها معتقدند ادراک رهبران و نخبگان از قدرت نسبی، باید تحلیل شود. زیرا سیاست خارجی هر دولت، محصول ادراک رهبران از موقعیت آن در نظام بین‌الملل و ملاحظات داخلی است. به گفته وولفورث نظریه خوب سیاست خارجی باید با جزئیات ادراک دولت‌مردان از توزیع قدرت همراه باشد (Wohlforth, 1993: 4).

به‌طور کلی رئالیسم نئوکلاسیک رابطه دولت و سیاست خارجی را بر پایه سه دسته از متغیرها یعنی ارزیابی تهدیدات و فرصت‌های ناشی از نظام بین‌الملل، انطباق راهبردی و اجرای سیاست‌ها تحلیل می‌کند که این خود متضمن چانه‌زنی و بده بستن بین دولت با سایر بازیگران جامعه است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۹). بر اساس این نظریه، حتی قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا با محدودیت‌های سیستمی مواجه‌اند. این محدودیت‌ها در موضوع ایران و کره شمالی به منافع متحدان و رقبای آمریکا مرتبط است. در حوزه داخلی نیز کاخ سفید مسئول شکل‌دهی به امور خارجی است، بنابراین ادراک مقامات اجرایی از تهدید ایران و کره شمالی نقش مهمی در تدوین راهبردها دارد. از سوی دیگر کنگره، تحت کنترل حزب مخالف، به‌ویژه در شرایط غیربحرانی می‌تواند مانع اجرای طرح‌های قوه مجریه شود. در این چارچوب برای فهم سیاست آمریکا در خصوص موضوع پژوهش، نقش متحدان و رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا و نیز عوامل داخلی بررسی خواهد شد.



سیاست آمریکا در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی

سیاست آمریکا در برابر برنامه هسته‌ای دیگر کشورها در چارچوب منع و مقابله با گسترش هسته‌ای توجیه می‌شود. فعالیت‌های منع اشاعه شامل گسترش معاهدات، رژیم‌های حفاظتی و بازرسی، رژیم‌های کنترل صادرات و تحریم‌های اقتصادی است که تحت عنوان بازدارندگی و مهار، گروه‌بندی شده است (Joyner, 2005: 512 - 518). اصطلاح مقابله با اشاعه نیز سال ۱۹۹۳ از سوی وزیر دفاع آمریکا مطرح شد و به اقداماتی همچون استفاده از قدرت نظامی برای محافظت از نیروها و منافع، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، حمایت از دیپلماسی، کنترل تسلیحات و کنترل صادرات، اطمینان از توان آمریکا برای مقابله با دشمن مسلح به سلاح‌های کشتار جمعی اشاره دارد (Aspin, 1993). با ترکیب ابعاد سیاست منع و مقابله با اشاعه، سیاست آمریکا در برابر برنامه هسته‌ای سایر کشورها در سه وجه دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی قابل تبیین است که در هر یک، ابزارهای تشویقی و تنبیهی (هویج و چماق) وجود دارد.

الف. حوزه دیپلماتیک

انگیزه‌های تشویقی در بعد دیپلماتیک شامل ارتقا یا تقویت روابط دیپلماتیک، مذاکره و برگزاری نشست در سطوح بالای مقامات، بیانیه مشترک همکاری یا دوستی و حمایت از عضویت در معاهدات بین‌المللی است. قطع روابط دیپلماتیک، اعمال فشار از طریق نهادهای بین‌المللی از ابزارهای تنبیهی است. در این بخش با توجه به قطع روابط دیپلماتیک ایران و کره شمالی با آمریکا، استفاده از دو ابزار مذاکره و ملاقات سران و نیز اعمال فشار از طریق نهادهای بین‌المللی علیه دو کشور بررسی می‌شود.

- کره شمالی

مذاکرات ۱۹۹۴ (چارچوب توافق شده): پس از تهدید کره شمالی به خروج از معاهده منع اشاعه، آمریکا خواستار مذاکره دوجانبه با این کشور شد. ۲۱ اکتبر ۱۹۹۴ پس از چند ماه مذاکره، توافق (Agreed framework) حاصل و قرار شد کره شمالی برنامه هسته‌ای خود را در راستای خلع سلاح هسته‌ای شبه جزیره و توافق اولیه صلح با آمریکا متوقف کند؛ آمریکا هم برای تشکیل کنسرسیوم بین‌المللی ساخت دو راکتور آب سبک در کره شمالی پیش‌قدم شود و تا سال ۲۰۰۳ سالانه ۵۰۰ هزار تن نفت در اختیار کره شمالی قرار دهد. همچنین آمریکا تضمین داد به تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای علیه کره شمالی مبادرت نکند (US Department of State, 1994).

مذاکرات شش‌جانبه: ۲۰۰۸ - ۲۰۰۳ (بیانیه مشترک): پس از طرح محور شرارت



ازسوی جرج بوش، معاون وزیر امور خارجهٔ امریکا به کره شمالی سفر کرد. چندی بعد، واشنگتن اعلام کرد مقامات کره شمالی در ملاقات با این مقام امریکایی، برنامهٔ مخفی غنی‌سازی اورانیوم را پذیرفته‌اند. کره شمالی ضمن رد این اتهام، ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ مدتی بعد از اینکه دولت امریکا تعهدات خود را در توافق ۱۹۹۴ معلق کرد، از معاهده منع اشاعه خارج شد (Beal, 2005: 116).

با میانجیگری کشورهای منطقه از اوت ۲۰۰۳ گفت‌وگوی چندجانبهٔ پکن کلید زده شد. بعد از سه دور مذاکره، سپتامبر ۲۰۰۵ طرفین توانستند به بیانیهٔ مشترک دست یابند. امریکا در این بیانیه حق کره شمالی را برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای محترم شمرد و تضمین امنیتی به این کشور ارائه داد. کره شمالی هم تعهد کرد برنامهٔ هسته‌ای خود را کنار بگذارد و در اولین فرصت به ان پی تی برگردد. این توافق اما پس از اقدام وزارت خزانه‌داری به انسداد حساب بانکی کره شمالی در دلتا بانک آسیا با مانع روبه‌رو شد و یک‌سال بعد، کره شمالی اولین آزمایش هسته‌ای خود را (اکتبر ۲۰۰۶) انجام داد. هرچند ادامه دیپلماسی در این زمان غیر قابل قبول بود، با تداوم مذاکرات چندجانبه، پول بلوکه‌شدهٔ کره شمالی از طریق کانال روسی بازپرداخت شد و کره شمالی موافقت کرد ظرف ۶۰ روز تأسیسات یونگبیون را تعطیل و در ازای دریافت ۵۰ هزار تن نفت سنگین، با نظارت آژانس موافقت نماید. امریکا همچنین وعده داد کره شمالی را از فهرست حامیان تروریسم خارج کند. دسامبر ۲۰۰۸ زمانی که طرفین در مورد پروتکل راستی‌آزمایی اقدامات کره شمالی به اختلاف رسیدند، مذاکرات شش‌جانبه، به پایان رسید (Davenport, 2018).

مذاکرات ۲۰۱۲ (توافق روز جهش): با انجام دومین آزمایش هسته‌ای در سال ۲۰۰۹ و حملات کره شمالی به کره جنوبی در سال ۲۰۱۰ پیگیری مذاکرات با دشواری مواجه شد. دولت اوباما اعلام کرد با هدف تمرکز بر هماهنگی تلاش‌ها با متحدان و تأکید بر ترک رفتار تهاجمی کره شمالی در قبال کره جنوبی، سیاست صبر راهبردی در پیش می‌گیرد (Nikitin et al, 2017: 13). این سیاست شامل همکاری نزدیک با متحدان (کره جنوبی و ژاپن) علیه تحریکات کره شمالی، اعمال فشار چندجانبه و یک‌جانبه بر کره شمالی و نیز متقاعد کردن چین برای فشار بیشتر بر کره شمالی بود (Hyun, 2017: 50). از سوی دیگر دولت اوباما در طول سال ۲۰۱۱ مخفیانه با کره شمالی مذاکره کرد تا این کشور را به مذاکرات هسته‌ای بازگرداند. نتیجهٔ این تلاش‌ها توافق موسوم به روز جهش (۲۹ فوریه ۲۰۱۲) بود که طی آن کره شمالی با توقف آزمایش هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم در یونگبیون و نیز بازگشت بازرسان آژانس موافقت کرد. امریکا هم متعهد شد ۲۴۰ هزار تن کمک به کره شمالی ارسال



نماید. راه‌اندازی مجدد دیپلماسی کمتر از سه هفته بعد به علت اقدام کره‌شمالی به پرتاب ماهواره به فضا متوقف شد (Nikitin et al, 2017: 14).

نخستین ملاقات سران ۲۰۱۸: کره‌شمالی که در سال ۲۰۱۳ سومین آزمایش هسته‌ای و در سال ۲۰۱۶ چهارمین و پنجمین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داده بود، تابستان ۲۰۱۷ موشک قاره‌پیمای هواسونگ را آزمایش کرد؛ موشکی که ادعا می‌شود می‌تواند بخش‌هایی از خاک آمریکا را هدف قرار دهد. پیونگیانگ ماه بعد نیز، بمب هیدروژنی آزمایش کرد. این بار نیز پس از چندماه تنش و جنگ لفظی دو طرف به تعامل روی آوردند. بدین ترتیب ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ نخستین بار بعد از جنگ دو کره، نشست سران آمریکا و کره‌شمالی در سنگاپور برگزار شد. در این دیدار، دو طرف سندی امضا کردند که در آن ترامپ به ارائه تضمین امنیتی به کره‌شمالی و کیم به خلع سلاح اتمی متعهد شد (Whitehouse(a), 2018). مقامات آمریکا همچنین تصریح کردند واشنگتن سیاست تغییر یا سقوط رژیم را از طریق اقدام قهری دنبال نخواهد کرد (Hyun, 2017: 67). دور دوم مذاکرات سران ۲۸ فوریه ۲۰۱۹ در ویتنام برگزار شد. این دیدار بدون نتیجه به پایان رسید، اما طرفین برای تداوم دیدار و مذاکرات ابراز تمایل کردند.

- ایران

مذاکرات چندجانبه (برجام): ژوئن ۲۰۰۶ با پیوستن آمریکا، چین و روسیه به مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی، گروه ۵+۱ تشکیل شد؛ مذاکرات تا سال ۲۰۱۳ به نتیجه نرسید. سپتامبر ۲۰۱۳ در دیدار وزرای خارجه ۵+۱ و ایران در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طرفین درباره ارتقای سطح مذاکره توافق کردند و در نهایت ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۳ تیرماه ۱۳۹۴) پس از ۲۲ ماه مذاکره و ۱۷ روز مذاکره متوالی فشرده، توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) حاصل شد. بر اساس توافق ایران متعهد شد بخش‌های حساس برنامه هسته‌ای را در ازای لغو تحریم محدود کند و اجازه دسترسی به سایت‌های مظنون را بدهد (سند برجام، ۱۳۹۵). این توافق در آمریکا با مخالفت روبه‌رو شد و رئیس‌جمهور بعدی آمریکا هشتم می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) با خروج از آن، بازگشت تحریم‌ها علیه ایران را اعلام کرد (Whitehouse (b), 2018).

اعمال فشار از طریق سازمان‌های بین‌المللی همچون شورای امنیت نیز از جمله ابزارهای دیپلماتیک آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران و کره‌شمالی بوده است. هرچند دو کشور از سال ۲۰۰۶ با تحریم‌های شورای امنیت روبه‌رو شدند، اما نکته این است که تحریم علیه کره‌شمالی، پس از اقدام این کشور به پرتاب موشک بالستیک و سپس انفجار هسته‌ای اعمال شد، در حالی که با ارجاع پرونده ایران از آژانس به شورای امنیت، نخستین قطعه‌نامه

علیه فعالیت هسته‌های ایران صادر شد. نکته دوم افزایش تحریم‌ها علیه فعالیت هسته‌های ایران، بعد از آزمایشات هسته‌های کره شمالی است. به اعتقاد ریچارد نفیو از طراحان تحریم ایران، مسیر سازمان ملل مهم‌ترین ابزار امریکا برای اعمال تحریم علیه برنامه هسته‌ای ایران بود که در نتیجه استفاده از این ابزار، ایران در اقتصاد بین‌الملل به موردی خاص تبدیل شد و انبوهی از شرکت‌ها و نهادها از ایران خارج شدند (نفیو، ۱۳۹۷: ۶۲).

قطعه‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت درباره برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی

ایران	۱۷۴۷	۱۸۰۳ - ۱۸۳۵		۱۹۲۹	۱۹۸۴	۲۰۴۹	۲۱۰۵	۲۱۵۹	۲۲۳۱	
سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۶
کره شمالی	۱۶۹۵ - ۱۷۱۸			۱۸۷۴			۲۰۸۷ - ۲۰۹۴			۲۲۲۱ - ۲۲۷۰
										۲۳۵۶ - ۲۳۷۱
										۲۳۹۷ - ۲۳۷۵

ب. حوزه اقتصادی

در حوزه اقتصادی، ابزارهای تشویقی همچون کمک اقتصادی، ارتقا یا تقویت تجارت و دسترسی به بازارها به کار گرفته می‌شود؛ که البته این ابزارها در برخورد با ایران و کره شمالی کمتر مورد استفاده قرار گرفت. کره شمالی بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ بالغ بر یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار کمک دریافت کرد. بیشتر از نیمی از این مبلغ، کمک غذایی و ۴۰ درصد هم مساعده انرژی بود. در مذاکرات فوریه ۲۰۱۲ نیز امریکا به ارائه ۲۴۰ هزار تن کمک غذایی به کره شمالی متعهد شد، که این وعده پس از پرتاب موشک حامل ماهواره در آوریل ۲۰۱۲ نقض شد (Nikitin et al, 2017: 14). امریکا همچنین از سال ۲۰۰۷ تا آوریل ۲۰۰۹، برای کمک به روند هسته‌ای زدایی، کمک‌های فنی به کره شمالی ارائه کرد. در خصوص ایران، امریکا در دوره کلینتون اقدامی محدود برای ارتقای تجارت انجام داد که طی آن محدودیت صدور مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی به ایران کاهش یافت و واردات فرش، خشکبار و خاویار ایران به امریکا آزاد شد (Sanger, 2000).

تحریم به‌عنوان وجه تنبیهی حوزه اقتصادی، ابزار اصلی امریکا به‌منظور رویارویی با برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی است. آسیب زدن به توانایی این کشورها در استفاده از منابع اقتصادی و در نهایت تغییر رفتار در جهت مورد نظر امریکا، هدف اصلی این تحریم‌ها عنوان شده است (نفیو، ۱۳۹۷: ۳۹).

- کره شمالی

کره شمالی به‌عنوان دشمن، در کل تاریخ خود در معرض تحریم امریکا بوده است. توافق ۱۹۹۴ بخشی از این تحریم‌ها را لغو کرد. اما نخستین تحریم یک‌جانبه امریکا علیه فعالیت هسته‌ای و موشکی کره شمالی، ژوئن ۲۰۰۱ بر مبنای قانون «عدم اشاعه ایران» (۲۰۰۰)



اعمال شد. تحریم مهم دیگر انسداد ۲۵ میلیون دلار دارایی کره شمالی در بانکی در ماکائو بود (سپتامبر ۲۰۰۵) که سرانجام به این کشور پرداخت شد. انسداد دارایی و اموال افراد دخیل در گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، توقف کمک‌های خارجی به جز بشردوستانه و مواد غذایی، منع اتباع آمریکا از ثبت، اجاره، بیمه و نیز استفاده از پرچم آمریکا برای کشتی‌های کره شمالی بر مبنای فرامین اجرایی ۱۳۳۸۲ (۲۰۰۵) و ۱۳۴۶۶ (۲۰۰۸) و نیز افزودن نام کره شمالی به قانون عدم اشاعه ایران در سال ۲۰۰۶ از دیگر تحریم‌های کره شمالی در دوره جرج بوش بود.

با توسعه این تحریم‌ها در فرامین ۱۳۵۵۱ (۲۰۱۰)، ۱۳۵۷۰ (۲۰۱۱)، ۱۳۶۸۷ (۲۰۱۵) و قانون تقویت تحریم ایران، کره شمالی و سوریه (۲۰۱۱)، صدور کالاهای لوکس از کره شمالی و واردات کالا، خدمات یا فناوری از این کشور ممنوع شد. قانون «تشدید سیاست و تحریم کره شمالی» مهم‌ترین اقدام کنگره در قبال کره شمالی بود که سال ۲۰۱۶ یک دهه بعد از اولین آزمایش هسته‌ای این کشور به تصویب رسید. این قانون که نخستین‌بار به طور انحصاری کره شمالی را هدف قرار داد، آمریکا را قادر ساخت نه تنها کره شمالی، بلکه هر شخص ثالث طرف معامله با این کشور را تحریم کند. در این قانون برخلاف مورد ایران، اجرای تحریم ثانویه اختیاری است (Kwon, 2016: 156). ذیل قانون تشدید سیاست و تحریم کره شمالی، فرمان اجرایی ۱۳۷۲۲ (۱۸ مارس ۲۰۱۶) صادر و اموال فعالان بخش‌های حمل‌ونقل، معادن، انرژی و خدمات مالی کره شمالی مسدود شد. فرمان اجرایی ۱۳۸۱۰ (۲۰۱۷) این تحریم را تشدید کرد.

- ایران

نخستین تحریم آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران، ژوئن ۱۹۹۲ در قالب قانون «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران و عراق» صورت گرفت. مطابق این قانون انتقال هرگونه کالا یا فناوری با کاربرد دوگانه که به عراق و ایران در دستیابی به سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای یا تسلیحات پیشرفته متعارف کمک کند، ممنوع اعلام شد (H.R.5434, 1992). مارس ۱۹۹۵ کاخ سفید با هدف تضعیف دسترسی ایران به منابع مالی جهت توسعه برنامه هسته‌ای، مشارکت در توسعه منابع نفتی ایران را ممنوع اعلام کرد. دو ماه بعد نیز با فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹، این تحریم را به هر نوع تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران تسری داد.

علاوه بر این، کنگره با تصویب قانون «تحریم ایران و لیبی» ILSA در سال ۱۹۹۶ اولین تحریم فراسرزمینی را علیه شرکت‌های خارجی فعال در طرح‌های توسعه منابع نفتی ایران اعمال کرد. قانون ایلسا نقطه آغاز فرایند تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا علیه ایران بود.

هدف این قانون که با خروج لیبی از شمول آن در سال ۲۰۰۶ به نام قانون تحریم ایران شناخته می‌شود، کاهش ظرفیت تولید نفت و گاز ایران و محدود کردن توسعه ظرفیت‌های راهبردی ایران بود. طبق این قانون شرکت‌هایی با بیش از ۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری سالانه در بخش انرژی ایران، از دادوستد با دولت آمریکا محروم شدند (Katzman, 2019: 13). کنگره مارس ۲۰۰۰ نیز قانون «عدم اشاعه ایران» را تصویب کرد که طبق آن، رئیس‌جمهور اجازه یافت علیه افراد یا سازمان‌هایی که به ایران در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی کمک کنند، اقدامات تنبیهی اعمال کند.

تحریم چهار نهاد ایرانی در نتیجه فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ (۲۰۰۵) و تحریم شرکت‌های سرمایه‌گذار در بخش انرژی ایران مطابق قانون «مقابله با اشاعه هسته‌ای ایران» (۲۰۰۷) از دیگر اقدامات تحریمی علیه برنامه هسته‌ای ایران بود. آمریکا همچنین با استفاده از قدرت وزارت خزانه‌داری، دسترسی ایران به سامانه مالی بین‌المللی را محدود کرد. در دوره ریاست‌جمهوری اوباما، کنگره نیز نقش فعالی را در این مبارزه بر عهده گرفت و اولین بار پس از ۱۱ سپتامبر، مستقیماً درگیر استفاده راهبردی از قدرت شد. کنگره ژوئن ۲۰۱۰، با تصویب «لایحه جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران» (CISADA) تحریم‌های ۱۹۹۶ علیه ایران را گسترش داد. طبق این قانون، دسترسی بانک‌های خارجی طرف معامله با نهادهای تحریمی ایران یا سپاه پاسداران به بازار آمریکا محدود شد. دارای ناقضین تحریم نیز به موجب فرمان اجرایی ۱۳۵۷۴ (۲۳ می ۲۰۱۱) مسدود شد.

با تصویب قانون «تقویت تحریم ایران، کره شمالی و سوریه» (می ۲۰۱۱) فعالیت‌های بانک مرکزی ایران و سپاه پاسداران بیش از پیش تحت نظارت قرار گرفت. تحریم صنایع پتروشیمی، بخش مالی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل (فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰)، تعیین بانک مرکزی ایران در زمره مؤسسات دارای خطر بالای پولشویی (بخش ۳۱۱ قانون میهن‌پرستی آمریکا ۲۰۱۱) و محرومیت بانک‌های خارجی از افتتاح حساب در آمریکا در صورت تسهیل پرداخت هزینه‌های نفتی از طریق بانک مرکزی ایران (قانون اختیارات دفاع ملی ۲۰۱۲) از دیگر اقدامات کاخ سفید و کنگره علیه فعالیت هسته‌ای ایران بود.

امریکا همچنین به موجب فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ بانک مرکزی ایران را تحریم کرد؛ این نخستین بار بود که بانک مرکزی یک کشور هدف قرار می‌گرفت. گسترش دامنه تحریم‌های بخش انرژی و پتروشیمی (فرمان اجرایی ۱۳۶۲۲)، تحریم شرکت‌های فعال در بخش انرژی و شرکت‌های فروشنده یا بیمه‌کننده تانکرهای نفتی ایران (قانون کاهش تهدیدات ایران و قوانین حقوق بشری سوریه ۲۰۱۲)، تشدید مجازات کمک‌کنندگان به بخش‌های نفت، پتروشیمی، بیمه، کشتی‌رانی و مالی ایران (فرمان اجرایی ۱۳۶۲۸)، تحریم



مؤسسات فراهم‌کننده کالا، خدمات و پوشش بیمه‌ای برای بخش‌های انرژی، کشتی‌سازی و کشتی‌رانی ایران و بانک‌های خارجی که با استفاده از سامانه بانکی آمریکا این خدمات را فراهم می‌آورند (قانون اختیارات دفاع ملی ۲۰۱۳)، انسداد دارایی ایران در منطقه یورو (قانون ممانعت از ایران هسته‌ای ۲۰۱۳)، ممنوعیت معامله ریال ایران و نیز ارائه کالا به صنعت اتومبیل ایران (فرمان اجرایی ۱۳۶۴۵) فهرست تحریم‌های آمریکا را علیه برنامه هسته‌ای ایران تکمیل کرد. هرچند به موجب برجام بخشی از تحریم‌ها معلق شد، اما با خروج آمریکا از توافق، تحریم‌ها به تدریج برقرار شده است.

ج. حوزه نظامی

ارائه تضمین امنیتی، مهم‌ترین ابزار تشویقی آمریکا در حوزه نظامی برای برخورد با برنامه هسته‌ای دیگر کشورها بوده است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد اهداف برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی از مواردی است که فعالیت هسته‌ای دو کشور را متمایز کرده است. در حالی که ایران در پی دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است، کره شمالی مبنای برنامه هسته‌ای خود را دستیابی به تسلیحات هسته‌ای با هدف بازدارندگی مقابل آمریکا قرار داده است. به همین جهت واشنگتن در توافق ۱۹۹۴، بیانیه مشترک ۲۰۰۵ و نیز بیانیه سران ۲۰۱۸ به پیونگیانگ اطمینان داد بقای نظام حاکم را تهدید نمی‌کند. تهدید به اعمال زور، استقرار نیرو، فروش تسلیحات به طرف سوم، عملیات ویژه و حمله هوایی نیز در زمره ابزارهای تنبیهی در حوزه نظامی است که تهدید به اعمال زور بیشتر از سایر گزینه‌های این حوزه، علیه دو کشور به‌کار گرفته شده است. حضور نظامی در اطراف مرزهای ایران و کره شمالی و توافقات تسلیحاتی با همسایگان آنها نیز از موضوعات مهم است که پیش و بیش از آنکه به برنامه هسته‌ای دو کشور مرتبط باشد، در چارچوب سیاست جهانی آمریکا قابل تحلیل است؛ از این‌رو در این بحث به موضوع تهدید به اعمال زور علیه دو کشور پرداخته می‌شود.

- کره شمالی

تهدید به اعمال زور از زمان جرج دبلیو بوش آغاز و اغلب در قالب جمله «همه گزینه‌ها روی میز است» مطرح شد. فوریه ۲۰۰۳، بوش در بیانیه‌ای ضمن ابراز تمایل به کاهش تنش در شبه جزیره کره، اظهار داشت همه گزینه‌ها روی میز است، اما ما همچنان به کار دیپلماتیک ادامه خواهیم داد (Whitehouse, 2003). رامسفلد، وزیر دفاع هم‌خاطر نشان کرد آمریکا می‌تواند هم‌زمان در دو جنگ (علیه عراق و کره شمالی) درگیر باشد (The Newyork Times, 2002). رایس، وزیر امور خارجه سابق آمریکا به یاد می‌آورد که

پنتاگون مایل نبود در درگیری که احتمال آسیب دیدن کره جنوبی وجود داشت، مشارکت نماید. رایس افزوده است هرچند برخی از اعضای دولت بوش از رویکرد نظامی حمایت می‌کردند، این موضوع هرگز به سیاست دولت تبدیل نشد (McEachern, 2018: 159 - 160).

در دوره اوباما جمله تکراری همه گزینه‌ها روی میز است، همچنان کاربرد داشت؛ اما به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفت. بحث استفاده از این گزینه علیه کره شمالی، تابستان ۲۰۱۷ جدی‌تر از هر زمان دیگری مطرح شد. پس از آنکه کره شمالی موشک قاره‌پیمای هواسونگ را آزمایش کرد، ترامپ این کشور را به «آتش و خشمی که جهان تاکنون به خود ندیده» تهدید کرد (Theguardian, 2017). فوریه ۲۰۱۸ هم، سناتور جمهوری خواه جیمز ریچ اظهار داشت کاخ سفید درگیر حملات محدود نخواهد شد؛ حمله گسترده و پرتلاطم در زمانی بسیار کوتاه صورت خواهد گرفت (Hilpert&Meier, 2018: 65) فروکش کردن این تهدید پس از ملاقات سران کره شمالی و آمریکا، این احتمال را تقویت کرد که تهدید به اعمال زور فشاری در راستای شکل‌گیری مذاکرات است.

مهم‌ترین اطلاعاتی که درباره احتمال حمله آمریکا به کره شمالی مطرح شده، عملیاتی با عنوان طرح عملیات ۵۰۱۵ است که هنوز بسیاری از بخش‌های آن سری است. به نوشته رسانه‌های کره جنوبی و ژاپن این طرح در سال ۲۰۱۵ رهیافت جدیدی برای مقابله با کره شمالی ارائه کرد که شامل گزینه‌ای برای حمله پیش‌دستانه اتمی است. گفته می‌شود بخش‌های مهمی از این طرح در رزمایش مشترک آمریکا و کره جنوبی در سال ۲۰۱۷ عملیاتی شد (Peck, 2018). ابتکار دیگری موسوم به راهبرد بینی خونین نیز طرح‌ریزی شد که مبنای آن جاسوسی از طریق جنگ نرم‌افزاری است (Riley-Smith, 2017).

- ایران

در محافل سیاسی و آکادمیک آمریکا در زمینه به‌کارگیری گزینه نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران، مباحث جدی صورت گرفته است. اوایل سال ۲۰۰۵، برخی تحلیلگران با استناد به اظهارات مقامات ادعا کردند آمریکا درصدد انجام اقدام نظامی علیه ایران است (Hersh, 2006). آمریکا در راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۶ هم به ایران پیام فرستاد که اگر تلاش دیپلماتیک با شکست روبه‌رو شود، آماده استفاده از زور است: «آمریکا به اتحادیه اروپا و روسیه پیوسته تا ایران را برای عمل به تعهدات بین‌المللی و ارائه تضمین‌های عینی درباره صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای تحت فشار قرار دهد؛ برای پرهیز از رویارویی، این تلاش دیپلماتیک باید موفقیت‌آمیز باشد» (United States, 2006: 20).

دو دیدگاه در خصوص حمله به ایران وجود داشته است: حمله محدود نظامی به



تعدادی از مراکز هسته‌ای و موشکی ایران؛ و حمله گسترده نظامی و تغییر رژیم (امینیان، زمانی، ۱۳۹۶: ۲۳۸ - ۲۳۷). حمله گسترده نیازمند پیاده کردن سرباز بر روی زمین ایران بود که با توجه به تبعات آن برای آمریکا این گزینه پیشنهاد نشد (The Iran Project 2012). حمله محدود هم گزینه مورد نظر رژیم صهیونیستی بود که تلاش کرد با حمایت آمریکا آن را اجرا کند. مقامات سیاسی و نظامی آمریکا با مد نظر قرار دادن احتمالاتی همچون تلافی ایران، ناموفق بودن حمله در دستیابی به هدف، خروج ایران از معاهده منع اشاعه، کاهش حمایت بین‌المللی از تحریم‌ها، گزینه نظامی را رد کردند و به رژیم صهیونیستی هشدار دادند (Sebenius&Singh 2012/13: 63).

لیتواک چند دلیل برای کم‌توجهی به این گزینه در مقابله با برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی ذکر می‌کند: اول، اقدام نظامی فقط برنامه هسته‌ای را به تعویق می‌اندازد. دوم، احساسات ناسیونالیستی را تقویت می‌کند و پیامد وخیمی برای رژیم‌های بین‌المللی به همراه خواهد داشت. سوم، حملات نظامی به سایت‌های هسته‌ای می‌تواند پیامدهای زیست محیطی فاجعه‌بار داشته باشد. چهارم، اقدام نظامی علیه کره شمالی و ایران، آغازگر سلسله‌ای از جنگ‌ها خواهد بود (Litwak, 2019: 96 - 99).

در جمع‌بندی سیاست آمریکا در برابر برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی باید گفت: آمریکا در عرصه دیپلماتیک، مذاکره و اعمال فشار از طریق نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت، در عرصه اقتصادی، تحریم و تنگنای مالی و تجاری، در عرصه نظامی، تهدید به حمله را به کار گرفته است. آنچه سیاست آمریکا را در قبال این دو کشور متمایز می‌کند زمان، ابعاد و گسترده این سیاست است. طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ که آمریکا در تعامل با کره شمالی به توافق دست یافت، ایران در چارچوب راهبرد مهار دوجانبه با تحریم بخش انرژی روبه‌رو بود. در سال‌های ریاست جمهوری بوش (۲۰۰۱ - ۲۰۰۸) هر دو کشور در زمره محور شرارت قرار گرفتند و به حمله نظامی تهدید شدند، اما رویکرد تعامل با کره شمالی در چارچوب مذاکرات شش‌جانبه همچنان در دستور کار بود. در دوره ریاست جمهوری اوباما، سیاست آمریکا در برابر ایران در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و نظامی با تحرک بیشتری روبه‌رو شد. در حوزه نظامی ضمن افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، نیروهای آمریکایی بیشتری در منطقه مستقر شدند و تهدید به حمله نظامی در اظهارات مقامات آمریکایی پررنگ‌تر شد. در حوزه اقتصادی تحریم‌ها افزایش یافت و در حوزه سیاسی مذاکرات چندجانبه به توافق برجام منجر شد. در مقابل کره شمالی هم اگرچه سیاست صبر راهبردی اتخاذ شد، اما در مقطعی دو طرف وارد مذاکره شدند که توافق حاصل از آن دوام چندانی نیافت. آمریکا نیز ضمن خروج از توافق با ایران، دوباره به

تعامل با کره‌شمالی روی آورد.

به‌طور کلی بهره‌گیری از ابزارهای تنبیهی در سه حوزه سیاسی (عدم تمایل به مذاکره و اعمال فشار از طریق شورای امنیت)، اقتصادی (تحریم) و نظامی (تهدید به حمله) علیه ایران وسیع‌تر و عمیق‌تر از کره‌شمالی بوده است. علاوه بر این به‌رغم تفاوت هدف، پیشرفت و دستاورد برنامه هسته‌ای دو کشور، ایران زودتر از کره‌شمالی با فشارهای امریکا روبه‌رو شد.

عوامل مؤثر بر سیاست امریکا در برابر برنامه هسته‌ای ایران و کره‌شمالی

در اسناد استراتژی امنیت ملی از ایران و کره‌شمالی به‌عنوان کشورهایی که درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای هستند نام برده و بر مقابله با آنها تأکید شده است. بنا بر سند استراتژی ۱۹۹۷ اشاعه هسته‌ای در سه ناحیه بسیار مهم است: شبه جزیره کره؛ جنوب غربی آسیا، که همچنان تلاش می‌شود از پیشرفت سلاح‌های کشتار جمعی ایران و تلاش‌های عراق برای تدوین برنامه هسته‌ای ممانعت شود؛ و جنوب آسیا، جایی که هند و پاکستان باید برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود را با استانداردهای بین‌المللی عدم اشاعه سازگار کنند (United States, 1997: 10). در استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۲ تصریح شده است: دشمنان امریکا درصدد کسب سلاح هسته‌ای به‌عنوان ابزار تهدید و تجاوز نظامی علیه همسایگان‌شان و نیز به چالش کشیدن واشنگتن و متحدانش هستند (United States, 2002: 15). احتمال استفاده «دولت‌های غیرمتعهد یا تروریست‌ها» از سلاح هسته‌ای در سند ۲۰۱۵ به‌عنوان بالاترین تهدید برای امنیت و رفاه امریکا معرفی شده است (United States, 2015: 11). استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ نیز با ذکر نام ایران و کره‌شمالی، تأکید کرده است امریکا اجازه نخواهد داد دشمنان از تهدید هسته‌ای برای فشار بر امریکا، متحدان و شرکای این کشور استفاده کنند و نگرانی از وخامت اوضاع، مانع آن نخواهد شد که امریکا از منافع حیاتی خود و متحدان و شرکایش دفاع کند (United States, 2017: 76).

در حالی که ایران تهدیدی وجودی برای امریکا محسوب نمی‌شود (Sokolsky & Miller, 2019) و تهدید هسته‌ای کره‌شمالی «فرضی نیست و واقعی است» (Hayes & Moon, 2015: 385)، هم‌سنجی سیاست امریکا در برخورد با برنامه هسته‌ای دو کشور طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۸، این نتیجه را به دست می‌دهد که رویکرد منتخب واشنگتن برای پیونگیانگ «تعامل» و برای تهران «تحریم» است. براساس نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، عوامل سیستمی و داخلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارند. اهمیت محدودیت‌های سیستمی و ماهیت تهدید برنامه هسته‌ای ایران و کره‌شمالی با عبور از



فیلتر ادراک سیاست‌گذاران به شکل‌گیری گزینه‌هایی می‌انجامد که نهایتاً گزینهٔ منتخب با توجه به ملاحظات سیاست داخلی عملیاتی می‌شود. تأثیر این عوامل بر سیاست آمریکا در برابر برنامهٔ هسته‌ای ایران و کره شمالی در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. قدرت‌های جهانی

کره شمالی در شمال شرق آسیا با روسیه و چین به‌عنوان رقبای بین‌المللی آمریکا همسایه است که منافع خاص خود را در مسئلهٔ هسته‌ای کره شمالی پیگیری می‌کنند. چین و روسیه و قدرت‌های اروپایی، در مسئلهٔ هسته‌ای ایران نیز نقش ایفا می‌کنند و نیاز به حمایت آنها جزئی جدایی‌ناپذیر از سیاست آمریکا است.

چین

- کره شمالی

چین، کره شمالی هسته‌ای را ذاتاً بی‌ثبات می‌داند؛ زیرا توجهی برای استقرار نیروهای نظامی آمریکا و استقرار سپر دفاع موشکی تاد در منطقه فراهم می‌کند؛ ضمن اینکه برنامهٔ هسته‌ای کره شمالی این احتمال را ایجاد می‌کند که کره جنوبی یا ژاپن برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تلاش کنند. از این رو چین خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی را می‌پذیرد، اما معتقد است این هدف در کوتاه‌مدت به دست نمی‌آید.

چین که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حمایت اقتصادی از کره شمالی را بر عهده گرفته است خواستار به رسمیت شناختن رژیم پیونگیانگ از سوی آمریکا است. همچنین به وضوح از آمریکا می‌خواهد کره شمالی را از نظر اقتصادی پشتیبانی کند تا هزینه‌های چین کاهش یابد (O'Driscoll, 2010: 43). پکن همچنین مخالفت خود را با جنگ و آشفتگی در شبه‌جزیره کره اعلام و تأکید کرده است هسته‌ای‌زدایی و حل‌وفصل موضوعات مربوطه از طریق گفت‌وگو و مذاکره حاصل می‌شود (CRS, 2017: 22). از نظر پکن فشار بیش از حد، باعث تحریک و بروز رفتار خطرناک کره شمالی می‌شود؛ اما فشار محدود، سیگنال مفیدی ارسال می‌کند که ممکن است کشور هدف را به تجدیدنظر در سیاست‌های خود مجبور کند، خصوصاً اگر همراه با فرصت‌های پیشرفت از طریق گفت‌وگو باشد (Glaser, 2008: 177). بر همین اساس چین پس از آزمایشات هسته‌ای کره شمالی به قطعنامه‌های سازمان ملل علیه این کشور رأی مثبت داد، اما با تحریم‌ها همراهی کامل نداشت. برخی تحلیلگران بر این باورند کره شمالی کنشگر نیابتی از سوی چین است که به رفتارهای جنگ‌طلبانهٔ آمریکا در منطقهٔ شرق آسیا واکنش نشان می‌دهد تا چین بتواند به اهداف بلندمدت اقتصادی خویش نزدیک شود (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بنابراین

چین برای محدود کردن گزینه‌های امریکا تلاش می‌کند و در پی انجام مذاکرات با حضور امریکا، کره‌شمالی و البته چین، جهت حصول به توافقی است که برای کره‌شمالی امتیاز به همراه داشته باشد.

- ایران

چین حقوق و تعهدات ایران را به‌عنوان امضاکننده ان پی تی و عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به رسمیت می‌شناسد و از حق ایران برای تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز حمایت می‌کند. همکاری هسته‌ای چین و ایران که از اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شده بود، در میانه دهه ۱۹۹۰ تحت فشار امریکا محدود شد (Reardon: 2012: 14). از سال ۲۰۰۱ نیز بسیاری از نهادهای چینی که در این زمینه با ایران همکاری می‌کردند، تحریم شدند. پکن برای پرهیز از رویارویی با واشنگتن بر سر ایران، مسیر اقتصادی را در پیش گرفت. بنابراین، از اوایل دهه ۲۰۰۰، موضوع مشاجره چین و امریکا از همکاری هسته‌ای با ایران، به تجارت انرژی پکن و حمایت از ایران در شورای امنیت تغییر یافت.

رشد سریع اقتصاد چین باعث شده است پکن به‌طور فزاینده‌ای به منابع خارجی نفت وابسته باشد؛ در نتیجه، این کشور به دنبال گسترش روابط با کشورهای تولیدکننده انرژی است. روابط سیاسی پکن با تهران نیز بخش مهمی از این تلاش به‌شمار می‌آید. چین تسلط امریکا بر تأمین‌کنندگان انرژی و مسیرهای اصلی انتقال انرژی جهان را چالشی امنیتی می‌داند و نگران است امریکا از این نفوذ برای محدود کردن تأمین منابع انرژی چین در بحران استفاده کند. بنابراین از نظر چین، ایران برای مقابله با تسلط امریکا بر خلیج فارس سرمایه‌راهبردی محسوب می‌شود. از سوی دیگر تنش با ایران، امریکا را به حضور نظامی در منطقه ناچار می‌سازد و توانایی آن را برای تمرکز کامل بر شرق آسیا مختل می‌کند (Yilmaz, 2015: 59). با این‌همه، منافع چین و امریکا برای ثبات منطقه خلیج فارس مشترک است. چین به‌عنوان واردکننده انرژی، از افزایش قیمت نفت سود نمی‌برد. همچنین با متحدان امریکا به‌ویژه عربستان سعودی روابط مهم و رو به رشدی دارد.

چین برای رشد اقتصادی، نه‌تنها به انرژی غرب آسیا، بلکه به فناوری‌های نوین و بازارهای امریکا نیز نیاز دارند. با وجود این شرایط متناقض، هدف اصلی چین از موافقت با تحریم و فشار علیه جمهوری اسلامی، اجتناب از عواقب برخورد با واشنگتن و گرفتن بهانه اقدامات سخت امریکا و متحدینش علیه تهران بوده است (سلطانی‌نژاد، زهرانی و شاپوری، ۱۳۹۱: ۱۵۵). به‌علاوه، این واقعیت که روابط با واشنگتن برای پکن مهم‌تر از روابط با تهران است، به واشنگتن اهرمی برای فشار بر پکن به‌منظور همراهی با سیاست امریکا علیه



برنامه هسته‌ای ایران می‌دهد. در نتیجه، چین مجبور به حمایت از تحریم‌ها علیه ایران شده است. نکته دیگر اینکه تحریم علیه ایران برای چین فرصت‌هایی نیز فراهم می‌آورد؛ خرید نفت با تخفیف و در اختیار گرفتن بازار ایران.

روسیه

- کره شمالی

روسیه نگران است مسئله کره شمالی به نظم منطقه‌ای دوقطبی بدون حضور روسیه تبدیل شود. بنابراین، موضوع کره شمالی را تنها با تمرکز بر مسئله هسته‌ای در نظر نمی‌گیرد، بلکه موازنه راهبردی منطقه‌ای نیز برای این کشور مهم است (Hilpert & Meier, 2018: 32 - 33). بزرگ‌ترین امتیاز مسکو روابط مساوی با کره شمالی و کره جنوبی است. در حالی که آمریکا، ژاپن و چین روابط تنگتنگی با یکی از این کشورها دارند، روسیه روابط اقتصادی و سیاسی پایدار با هر دو طرف را حفظ کرده است. روسیه از کره جنوبی خواسته است روابط نظامی با آمریکا را قطع و سیستم دفاع موشکی تاد را از این کشور خارج کند. مسکو همچنین برنامه هسته‌ای کره شمالی را تهدیدی برای امنیت شمال شرق آسیا اعلام کرده و از پیونگیانگ خواسته است از اقدامات تحریک‌آمیز خودداری کند (Economy, 2018).

از دید مسکو برنامه هسته‌ای کره شمالی واکنشی دفاعی به حضور نیروهای امریکایی در منطقه به‌شمار می‌آید؛ در نتیجه این کشور اقدام نظامی آمریکا را کاملاً رد می‌کند. روسیه ضمن محکومیت برنامه تسلیحات اتمی کره شمالی با تحریم‌های سازمان ملل علیه این کشور موافقت کرده است، اما معتقد است استفاده از تحریم‌های بیشتر به امید ترغیب کره شمالی به تسلیم شدن کارآمد نیست.

- ایران

مسکو، ایران را شریک مهم منطقه‌ای روسیه می‌داند. این کشور به‌عنوان یکی از پنج قدرت هسته‌ای به رسمیت شناخته شده، نقش مهمی در تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر ایفا کرده است. مسکو و تهران (و نیز پکن) در زمینه‌های مختلفی همچون کاهش نفوذ سیاسی واشنگتن در آسیای میانه و صدور گاز منافع مشترک دارند. علاوه بر این روابط تجاری و بازرگانی روسیه با ایران رو به رشد بوده است؛ روسیه با انعقاد قراردادهای مهم با ایران توانست رونق صنایع تسلیحاتی، فضایی و هسته‌ای خود را که پس از فروپاشی شوروی در معرض خطر بود، حفظ نماید. با توجه به اهمیت این منافع، موضع روسیه بارها انسجام گروه ۵+۱ را تضعیف و به ایران مزیت چانه‌زنی بیشتر اعطا کرد. روس‌ها با

به‌کارگیری گزینه نظامی علیه ایران مخالفند و بر گفتگو برای حل بحران تأکید دارند. از سوی دیگر این کشور نه تنها مانع صدور قطعنامه‌های متعدد علیه ایران نشد، بلکه به‌طور کامل با اجرای آنها همکاری داشت. روسیه همچنین موافقت کرد فروش برنامه‌ریزی شده سامانه دفاع هوایی اس ۳۰۰ به ایران را لغو کنند.

در بررسی و ارزیابی علل و عوامل چنین موضعی از سوی روسیه، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که به‌طور عمده بر عواملی مانند تأثیرگذاری عنصر غرب در سیاست خارجی روسیه (مولایی و زرگری، ۱۳۹۵: ۱۲۵) و استفاده روسیه از موضوع ایران به مثابه برگ برنده و اهرم فشار به‌منظور امتیازگیری از قدرت‌های رقیب تأکید می‌کنند (نوروزی و رومی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). برخی تحلیلگران نیز بر این باورند که عدم تمایل ایران به مذاکره در مورد غنی‌سازی، رد پیشنهاد مبادله سوخت که روس‌ها از آن حمایت می‌کردند، مسکو را به هم‌سویی با غرب سوق داد (Reardon, 2012: 106 - 107).

اتحادیه اروپا

- کره شمالی

حضور اتحادیه اروپا در کنسرسیوم بین‌المللی ساخت راکتور آب سبک در کره شمالی، بعد از توافق ۱۹۹۴، اوج دخالت این اتحادیه در مدیریت فعالیت هسته‌ای کره شمالی بود. این اتحادیه به‌عنوان منطقه غیر همسایه و بدون حضور نظامی منطقه‌ای، در دومین بحران هسته‌ای کره شمالی که از سال ۲۰۰۲ آغاز شد، به حاشیه رانده شد (Pardo, 2018). نگرانی اروپا درباره پیامدهای حمله کره شمالی به آمریکا است که در این صورت باید برای دفاع از متحد وارد عمل شود. علاوه بر این همسایگان کره شمالی یعنی چین، ژاپن و کره جنوبی نقش مهمی در اقتصاد جهانی دارند و اقدام نظامی علیه کره شمالی اقتصاد آنها و در نتیجه، اقتصاد اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ بر همین اساس اروپا با اقدام نظامی مخالف است.

- ایران

اتحادیه اروپا نقش فعالی در موضوع هسته‌ای ایران ایفا کرده است. اروپایی‌ها داشتن سلاح اتمی در منطقه را خطرناک می‌دانند و معتقدند از همین منطقه، جنگ جهانی سوم شروع می‌شود (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳۵). در دهه ۱۹۹۰ با وجود نظارت آژانس، برنامه هسته‌ای ایران نگرانی اتحادیه اروپا را برانگیخت و این موضوع در گفت‌وگوهای موسوم به انتقادی ایران و اروپا مطرح شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۳). بعد از شکل‌گیری بحران هسته‌ای ایران (۲۰۰۲) اروپایی‌ها با هدف افزایش وزن خود در عرصه بین‌الملل، اولین بار



نقش رهبری را در مدیریت بحران برعهده گرفتند. این کار با وجود مخالفت اولیه آمریکا انجام شد، که بر ارسال پرونده ایران از آژانس به شورای امنیت تأکید داشت. رویکرد اروپایی‌ها به تدریج از سال ۲۰۰۵ تغییر یافت و در نهایت تا سال ۲۰۰۹ به صورت یکدست در درون و متعهد با بیرون (اتحاد فرآتلانتیکی) به اقدامات مهمی از جمله تحریم‌های مستقل علیه ایران دست زدند (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۵: ۱۴۷). اواما که به نظر می‌رسید گزینه نظامی را به نفع تحریم شدید اقتصادی کنار گذاشته است، توانست اروپایی‌ها را با خود همراه سازد.

ب. متحدان آمریکا

شمال شرق آسیا

کره جنوبی: سیاست آمریکا در برابر کره شمالی بدون درک ترجیحات کره جنوبی قابل تبیین نیست. سؤال که بارها از سوی همسایه شمالی مورد تهاجم قرار گرفته است، به درخواست‌های پیونگیانگ برای همکاری برادرانه، با سوءظن می‌نگرد. تهدید نظامی نخستین نگرانی امنیتی کره جنوبی است. هرچند این کشور با برخورداری از فناوری نظامی برتر و نیز با حمایت آمریکا در درگیری متعارف نظامی، بر شمال غلبه خواهد کرد؛ اما حمله غافلگیرکننده کره شمالی (مشابه سال ۲۰۱۰) یا واکنش تهاجمی آن به حمله آمریکا، برای کره جنوبی دله‌ره‌آور است. در حال حاضر حدود ۲۸ هزار و ۵۰۰ سرباز آمریکایی در کره جنوبی مستقر هستند که به همراه ۶۳۰ هزار سرباز کره جنوبی، تحت کنترل عملیاتی آمریکا قرار دارند. سامانه دفاع موشکی تاد نیز برای محافظت از این کشور و پایگاه‌های نظامی آمریکا از سال ۲۰۱۷ در کره جنوبی مستقر شده است (Hilpert & Meier, 2018: 17). بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی کره شمالی دومین نگرانی امنیتی سؤال است. علاوه بر پیامدهای امنیتی سقوط رژیم، اتحاد مجدد، هزینه‌های اقتصادی عظیمی به کره جنوبی تحمیل می‌کند. بنابراین سؤال با به‌کارگیری گزینه نظامی علیه پیونگیانگ مخالف است. کره جنوبی تضعیف رژیم تحریم و از سرگیری همکاری‌های اقتصادی را به‌عنوان مشوقی برای همسایه شمالی در جهت کاهش تنش در شبه‌جزیره مورد نظر قرار داده است. کره جنوبی از سال ۱۹۹۸ با در پیش گرفتن سیاست آفتاب تابان، تعامل با کره شمالی را در پیش گرفت و رئیس‌جمهور اسبق این کشور در سال ۲۰۰۰ به خاطر این سیاست جایزه صلح نوبل دریافت کرد. در چارچوب این سیاست، سؤال پس از بحران دوم هسته‌ای در شبه‌جزیره کره، ضمن حمایت از دیپلماسی، تلاش‌هایی را جهت میانجیگری در روابط واشنگتن و پیونگیانگ به‌کار گرفت (Wit, Poneman, Gallucci, 2004: 164).

کره جنوبی که در سال ۲۰۰۸ در واکنش به آزمایشات هسته‌ای و موشکی کره شمالی،



سیاست آفتاب تابان را کنار گذاشته بود، از سال ۲۰۱۷ با تغییر رئیس‌جمهور مجدداً این سیاست را در دستور کار قرار داد. ستول اراده خود را به‌منظور گفت‌وگو با شمال اعلام و برای برگزاری نخستین دیدار سران کره‌شمالی و امریکا در سال ۲۰۱۸ رایزنی کرد.

ژاپن: ژاپن دربارهٔ تسلیحات هسته‌ای کره‌شمالی، با امریکا اشتراک نظر دارد، اما با اعمال زور در این‌باره مخالف است. مقامات ژاپنی کشورشان را نخستین قربانی جنگ پیشگیرانه امریکا علیه کره‌شمالی می‌دانند و به‌طور سنتی راهبرد گفت‌وگو و فشار را دنبال می‌کنند (O'Driscoll, 2010: 43). در پاسخ به پرتاب چندین موشک کره‌شمالی، ژاپنی‌ها راهبرد گفت‌وگو را تا حد زیادی به نفع فشار حداکثری کنار گذاشته‌اند. توکیو اکنون در نقش پلیس بد، به‌طور یک‌جانبه یا همراه با متحدان، از اجرای تحریم‌ها و تلاش برای بازگشت کره‌شمالی به معاهدهٔ منع اشاعه حمایت می‌کند. همچنین به کشورهای آسیای جنوب شرقی و آفریقا فشار می‌آورد تا تحریم‌های توافق شده را علیه کره‌شمالی عملیاتی کنند؛ تحریم‌هایی که گفته می‌شود از تحریم‌های شورای امنیت بسیار سخت‌تر است (Pardo, 2018: 14). ژاپن، توافق‌نامهٔ سنگاپور را به‌عنوان اولین گام ضروری در دیپلماسی به رسمیت می‌شناسد؛ اما به دلیل اینکه اختصاصاً غیر هسته‌ای سازی کره‌شمالی را مد نظر قرار نداده است، از آن انتقاد می‌کند (Hilpert & Meier, 2018: 39).

– جنوب غرب آسیا

رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی برنامهٔ هسته‌ای ایران را مهم‌ترین تهدید علیه امنیت وجودی خود تلقی می‌کند. از نظر مقامات صهیونیستی، ترس از ایران هسته‌ای باعث خروج یهودیان از رژیم صهیونیستی، تضعیف دولت و رویای صهیونیسم می‌شود (CRS, 2012: 18). با توجه به این نگرانی، اقلان امریکا برای ترجیح گزینهٔ نظامی بر دیپلماسی و نیز برجسته‌سازی تهدید منطقه‌ای ایران نسبت به نگرانی‌های مرتبط با عدم اشاعهٔ هسته‌ای، محور اصلی سیاست رژیم صهیونیستی در سه دههٔ گذشته بوده است. در نتیجه تلاش‌های رژیم صهیونیستی، از دههٔ ۱۹۹۰ مقامات امریکایی، ایران را تهدیدی نه‌تنها علیه رژیم صهیونیستی، بلکه علیه امنیت ملی امریکا معرفی کرده‌اند؛ تهدیدی که هرگونه اقدامی از جمله حملهٔ نظامی را توجیه می‌کند (Parsi, 2007: 185). در دورهٔ ریاست‌جمهوری کلینتون، تمرکز کاخ سفید بر پیگیری صلح خاورمیانه، فرصتی برای رژیم صهیونیستی فراهم کرد تا امریکا را متقاعد کند صلح در گرو اتخاذ موضع سخت‌گیرانه‌تر در برابر ایران خواهد بود. دولت کلینتون با سیاست مهار دوجانبه که مارتین ایندیک، بنیان‌گذار اندیشکدهٔ طرفدار رژیم صهیونیستی، «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» پیشنهاد کرده بود، به این فشار پاسخ داد.



صهیونیست‌ها همچنین در قرار دادن نام ایران در محور شرارت نقش داشتند. سوم ژانویه ۲۰۰۲ در شرایطی که ایران و آمریکا همکاری در افغانستان را در دستور کار قرار داده بودند، ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر حرکت کشتی کارین (A) با محموله تسلیحاتی از ایران به مقصد فلسطین، بدون هیچ‌گونه سندی از سوی آمریکا پذیرفته شد و ۲۹ ژانویه، بوش، ایران را در کنار عراق و کره شمالی در محور شرارت قرار داد. به گفته گری سیک، موضوع کشتی کارین (A) مستقیماً در عضویت ایران در محور شرارت دخیل بود (Parsi, 2007: 233 - 235).

پس از آغاز بحران هسته‌ای ایران، صهیونیست‌ها خواستار اقدام نظامی آمریکا شدند. آنها هشدار دادند تحمل دیپلماسی ضعیف اروپایی‌ها را ندارند و اگر تا پایان مارس ۲۰۰۶ جامعه بین‌المللی نتواند با دیپلماسی فعالیت هسته‌ای ایران را کنترل کند، دلیلی برای ادامه دیپلماسی وجود نخواهد داشت (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۴۸ - ۱۴۷). رژیم صهیونیستی به‌ویژه از زمانی که احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد، بیش از پیش خطر هسته‌ای ایران را برجسته کرد. در بحبوحه تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه ایران، بوش رئیس‌جمهور آمریکا در سفر به تل‌آویو، پیشنهاد همکاری سیا و موساد را برای خرابکاری در برنامه هسته‌ای ایران پذیرفت که در نتیجه آن بدافزارهای پیشرفته رایانه‌ای، از جمله ویروس استاکس‌نت علیه ایران به‌کارگرفته شد (Bergman, 2019).

تأکید اوباما بر حفظ گزینه نظامی برای دفاع از امنیت آمریکا و متحدان، در دوران مبارزات انتخاباتی، این باور را در مقامات رژیم صهیونیستی پدید آورد که رئیس‌جمهور جدید آمریکا شایسته‌ترین شریک رژیم صهیونیستی علیه ایران است؛ اما تل‌آویو نه تنها نتوانست اوباما را به اقدام نظامی علیه ایران راضی کند، بلکه اوباما با حمله یک‌جانبه رژیم صهیونیستی نیز مخالفت کرد. وزیر امور خارجه آمریکا در توجیه رد درخواست رژیم صهیونیستی اظهار داشت: آنها (رژیم صهیونیستی) تصور می‌کنند تحلیلشان درست است و برای پاسخ عجله دارند؛ اما ما متقاعد شده‌ایم که بر تحریم‌ها بیشتر تمرکز کنیم، تا نهایتاً ایران به مذاکره بپیوندد (CRS, 2012: 6).

با شکل‌گیری مذاکرات ۵+۱ با ایران، رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را برای اختلال در روند مذاکرات به‌کار گرفت، اما قادر به جلوگیری از توافق نبود. پس از اعلام توافق، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی آن را «اشتباه تاریخی» خواند و به همراه کنگره برای خنثی کردن آن وارد عمل شد. نتانیاهو زمانی به نتیجه تلاش‌های خود امیدوار شد که ترامپ وارد کاخ سفید شد. به گفته نتانیاهو، در دوره ترامپ توانایی رژیم صهیونیستی برای اعمال نفوذ بسیار بیشتر است (The Newyork Times, 2019).

شورای همکاری خلیج فارس: پادشاهی‌های شورای همکاری خلیج فارس رابطه‌ای پیچیده با جمهوری اسلامی ایران دارند. این کشورها به‌ویژه عربستان شرکای مهم آمریکا هستند که به‌عنوان مهم‌ترین تأمین‌کنندگان نفت جهان، می‌توانند تأثیر منفی تحریم ایران را بر عرضه جهانی نفت کاهش دهند. این کشورها از راهبرد دوگانه‌ای در برابر ایران پیروی کرده‌اند؛ از یک‌سو، تضمین‌های امنیتی و انتقال سامانه‌های پیشرفته نظامی را از آمریکا درخواست کرده‌اند و از طرف دیگر تدابیر مختلفی را برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفته‌اند. بحرین و عربستان، نگران تعهد آمریکا درباره دفاع از امنیتشان هستند و برای تنوع در روابط امنیتی به روسیه و چین نزدیک شده‌اند. پیگیری برنامه هسته‌ای از دیگر گزینه‌های مورد نظر این کشورها بوده است. برخی دیگر مانند قطر و عمان هم تمایل خود را برای ایفای نقش در مصالحه ایران و آمریکا نشان داده‌اند (Reardon, 2012: 101 - 102).

رهبران عرب، ضمن حمایت علنی از حق ایران برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای با حمله آمریکا یا رژیم صهیونیستی به ایران مخالفت کرده‌اند. برخلاف این موضع، اسناد ویکی‌لیکس نشان می‌دهد این کشورها در دیدارهای خصوصی از به‌کارگیری ابزار نظامی حمایت کرده‌اند. به‌عنوان مثال، سال ۲۰۰۸ پادشاه سعودی از آمریکا خواست با حمله به ایران و پایان دادن به برنامه هسته‌ای این کشور، «سر مار را قطع کند» (WikiLeaks, 2008). این در حالی است که با توجه به میزبانی کشورهای حاشیه خلیج فارس از تجهیزات و نیروهای نظامی آمریکا، درگیری با ایران آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد.

در واقع این کشورها تشدید تحریم و فشار علیه ایران را به جنگ و توافق ترجیح می‌دهند. هنگامی که گروه ۵+۱ و ایران در حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای گام‌هایی برداشته بودند، عربستان سعودی ضمن مخالفت با استفاده از زور، برای جلوگیری از دستیابی به توافق رایزنی کرد. سعودی‌ها مذاکرات هسته‌ای را قمار آمریکا به نفع ایران دیدند و توافق ۲۰۱۵ را به دلیل بی‌توجهی به رفتار منطقه‌ای ایران ناقص ارزیابی کردند (Reuters, 2018).

تصمیم جانشین اوباما در کاخ سفید برای کنار گذاشتن توافق ۲۰۱۵، فرصتی برای سعودی‌ها ایجاد کرد تا شکاف‌های ایجاد شده در روابط با آمریکا (در دوران اوباما) را ترمیم کنند. تعیین ریاض به‌عنوان مقصد نخستین سفر خارجی ترامپ، به مقامات سعودی اطمینان داد که عربستان همچنان در مرکز سیاست خارجی آمریکا قرار دارد. از سوی دیگر، قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری تسلیحاتی با عربستان سعودی، بیانگر تعهد آمریکا به



امنیت منطقه تلقی شد. امیل هوکایم، عضو ارشد مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی معتقد است متحدان عرب، ترامپ را در دسترس‌تر از دوره اوباما می‌دانند و از رویکرد کاملاً ضدایرانی و ضداسلام سیاسی او استقبال می‌کنند (The Newyork Times, 2017).

ج. عوامل داخلی

گزینه‌های سیاست خارجی را رهبران می‌سازند، لذا ارزیابی رهبران از ماهیت عوامل سیستمی و تهدید منافع در تحلیل مسائل بر مبنای رئالیسم نئوکلاسیک واجد اهمیت است. تصمیم‌گیرندگان ممکن است رفتار برخی کشورها را منفی‌تر از سایرین مشاهده کنند، یا اقدامات دولتی را متفاوت از دیگری تفسیر کنند، حتی اگر همان شواهد در دسترس آنها باشد. بنابراین تعیین گزینه برتر از میان گزینه‌های مطلوب در عرصه سیاست خارجی بر عهده رهبران و متأثر از برداشت‌های آنان است (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر نهادهای داخلی با ابزارهایی که در اختیار دارند این گزینه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موانع یا تسهیلاتی را برای اجرای آنها فراهم می‌آورند.

– فعالیت هسته‌ای ایران

از زمان وقوع انقلاب اسلامی و اشغال سفارت آمریکا در تهران، اکثر سیاست‌گذاران آمریکایی، جمهوری اسلامی را نظامی متخاصم می‌دانند که منافع و ارزش‌های آمریکا را به چالش می‌کشد. به نوشته پولاک، خشمی که آمریکایی‌ها به خاطر آن ۴۴۴ روز احساس می‌کنند، تصمیمات درباره ایران را تحت تأثیر قرار داده است (Pollack, 2004: 172). پیامدهای گروگان‌گیری با ماجرای ایران - کنترا، بمباران پادگان تفنگ‌داران آمریکا در بیروت، ماجرای میکونوس و انفجار الخبر تقویت شد و تردید در مورد آشتی با ایران را در حافظه دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا نهادینه کرد. از این منظر ضدآمریکایی بودن، باعث مشروعیت نظام سیاسی ایران است و این کشور نمی‌تواند به روابط با آمریکا علاقمند باشد (Miller & Bunn, 2014: 64 - 65).

در چارچوب این ادراک برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی مضاعف به‌شمار می‌آید. مهم‌ترین وجه ادراک سیاست‌گذاران آمریکایی از برنامه هسته‌ای ایران هدف تسلیحاتی این برنامه است (Rice, 2005) که از نظر آنها امنیت متحدان آمریکا به‌ویژه رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند. آمریکایی‌ها تهدید اروپا از ناحیه ایران هسته‌ای را نیز برجسته کرده‌اند (Bayh, 2007: 6). موضوع دیگر تغییر نظم موجود در منطقه است که هسته‌ای شدن ایران آن را به زیان منافع آمریکا تغییر خواهد داد. به‌زعم آمریکایی‌ها، ایران با دستیابی به تسلیحات هسته‌ای بر منطقه مسلط می‌شود و حتی اگر رژیم صهیونیستی را تهدید نکند،

باعث تقویت گروه‌های ضد امریکایی در منطقه، تهدید امنیت انرژی و اقتدار نظامی امریکا در منطقه می‌شود (Clawson, 2007). پیوند تسلیحات هسته‌ای با تروریسم، اشاعه هسته‌ای و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی از دیگر پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران عنوان می‌شود (Katzman, 2015: 16). در کنار این‌ها تداوم بقای جمهوری اسلامی پیامدی است که امریکایی‌ها با ناخرسندی از آن سخن می‌گویند (Pletka, 2006).

هم‌زمان با آغاز تلاش ایران برای از سرگیری برنامه هسته‌ای، سیاست‌مداران امریکایی با اطمینان از اینکه ایران در پی کسب سلاح هسته‌ای است (Albright, 1997) بر تضعیف اقتصاد ایران به‌عنوان ضرورت امنیت ملی امریکا تأکید داشتند. در این راستا کاخ سفید با طرح مهار دوجانبه بستر را برای تحریم علیه ایران فراهم کرد؛ کنگره هم با تصویب قانون ایلسا، نخستین تحریم‌های فراسرزمینی را علیه ایران کلید زد. فیاض‌منش ویژگی سیاست امریکا را در این زمان، رقابت کنگره جمهوری خواه و دولت دموکرات برای تخاصم بیشتر با ایران در نتیجه وفاداری به رژیم صهیونیستی توصیف می‌کند (Fayazmansh, 2008: 73).

در دوره ریاست جمهوری بوش، برخلاف میانه‌روهایی مانند پاول وزیر امور خارجه، تندورها خواستار اتخاذ رویکردی علیه ایران شدند که به تغییر رژیم منجر شود. بوش در هماهنگی با تندورها، تحریم‌های اقتصادی را تشدید کرد و درخواست ایران را برای مذاکره نادیده گرفت. بوش با بیان اینکه دستیابی ایران به دانش هسته‌ای، منطقه را در معرض هولوکاست هسته‌ای قرار می‌دهد (Bush, 2007a) تأکید کرد اگر می‌خواهید از جنگ جهانی سوم اجتناب کنید، باید مانع دستیابی آنها به دانش ساخت سلاح هسته‌ای شوید (Bush, 2007b). بر مبنای این ادراک، تهدید به اعمال زور علیه ایران در دوره اول ریاست جمهوری بوش برجسته شد. در دوره دوم اما، خروج تندورهایی همچون بولتون از کابینه و انتصاب رایس به‌عنوان وزیر امور خارجه، تغییر تاکتیک امریکا را در پی داشت. می ۲۰۰۵، رایس از «تغییر در سیاست ایران» و آمادگی برای همکاری با شرکای اروپایی جهت مذاکره با ایران خبر داد (Javadi Arjmand, 2014: 57).

امریکایی‌ها به واسطه برداشتهای متداول از ایران و یقین درباره هدف تسلیحاتی برنامه هسته‌ای ایران معتقد بودند ابراز علاقه ایران به مذاکره تاکتیکی برای تضعیف حمایت بین‌المللی از تحریم‌ها و خرید زمان است (Einhorn, 2013: 2). تداوم این نگرش در دوران ریاست جمهوری اوباما به توسعه تحریم‌ها با هدف تغییر محاسبات ایران انجامید. از نظر اوباما فعالیت هسته‌ای و موشکی ایران نه تنها امریکا بلکه همسایگان ایران و متحدان امریکا را نیز تهدید می‌کرد (Obama, 2009). رئیس‌جمهور امریکا استفاده از نیروی نظامی برای حل مسئله هسته‌ای ایران را تقبیح و استدلال کرد حل و فصل دیپلماتیک موضوع،



گامی در جهت بهبود روابط خصمانه آمریکا و ایران خواهد بود (Obama, 2013). دولت اوباما همچنین تلاش‌هایی را برای سازماندهی همه‌جانبه تحریم بین‌المللی علیه ایران به کار بست. تهدید رژیم صهیونیستی به اقدام نظامی علیه ایران به اهرمی برای امریکایی‌ها تبدیل شد تا دیگر کشورها را به همراهی با تحریم علیه ایران راضی کنند (Sobelman, 2018: 32).

تغییر در ادراک مقامات آمریکا از مسئله ایران، از دلایل پیگیری توافق با ایران در دوره اوباما بود. از نظر اوباما اگر کندهی و ریگان توانستند با شوروی مذاکره کنند، مطمئناً امریکایی قدرتمند می‌توانست با مخالفان کم‌قدرت‌تر مذاکره کند (Obama, 2014). امریکایی‌ها پیروزی روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۳ را نشان‌دهنده تحول واقعی در نگرش دولت ایران تلقی کردند و به تداوم مذاکرات (که از چندماه قبل با میانجیگری عمان به صورت محرمانه آغاز شده بود) امیدوار شدند (نفیو، ۱۳۹۷: ۷۸).

با جدی شدن مذاکرات در اواخر سال ۲۰۱۳، کنگره درباره اعطای امتیاز به ایران به کاخ سفید هشدار داد. با رایزنی رژیم صهیونیستی، تلاش کنگره برای تاثیرگذاری بر روند مذاکرات افزایش یافت و قانون‌گذاران آمریکا از کاخ سفید خواستند از «حق» رژیم صهیونیستی برای به کار بردن «هر وسیله ضروری» جهت مقابله با تهدید هسته‌ای ایران حمایت کند (Sobelman, 2018: 28). آنها همچنین تحریم علیه نفت و بانک مرکزی ایران را به‌عنوان بخشی از قانون دفاع ملی به تصویب رساندند.

اصرار اوباما به حصول توافق با ایران، تلاش کنگره را بی‌نتیجه گذاشت. اوباما در دفاع از عملکرد خود، مخالفان توافق را موافقان جنگ توصیف و تأکید کرد باید به ذهنیتی که باعث شروع جنگ علیه عراق شد، خاتمه دهیم. او درخواست مخالفان برای کنار کشیدن از توافق و اعمال تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران را بر مبنای توهم دانست و اظهار داشت برای اعمال تحریم‌های بیشتر باید رابطه اقتصادی با چین را قطع کنیم که شدنی نیست (Obama, 2015).

با ورود ترامپ به کاخ سفید، بار مخالفت با توافق از دوش کنگره برداشته شد. اکثریت جمهوری خواه کنگره با این توافق مخالف بودند. برخی سناتورهای هم حزب ترامپ از جمله تد کروز در رقابت‌های درون حزبی انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده بودند در صورت ورود به کاخ سفید، در نخستین روز کاری خود، به برجام پایان می‌دهند. رئیس‌جمهور جدید اما، تحت فشار چهره‌های ارشد دولت (تیلرسون، وزیر امور خارجه، متیس، وزیر دفاع؛ و مک‌مستر، مشاور امنیت ملی که معتقد بودند ایران از توافق تخطی نکرده است و اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران بین آمریکا و متحدان اروپایی شکاف ایجاد می‌کند)

پایبندی ایران به توافق را دو بار تأیید کرد (Barnes; Barron, 2018). بار دوم، در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۷ که ترامپ اعلام کرد دیگر قصد تأیید ندارد، رکس تیلرسون وزیر امور خارجه وقت، به ترامپ گفت: چاره‌ای جز این ندارد، زیرا هیچ مدرکی مبنی بر عدم پایبندی ایران وجود ندارد. واکنش ترامپ این بود که بررسی موضوع را از وزارت امور خارجه به کاخ سفید منتقل کند (Simon, 2018). به نوشته توماس رایت از اعضای ارشد موسسه بروکینگز، پس از آنکه ترامپ از شر این افراد خلاص شد، همان‌گونه که خواست عمل کرد (Wright, 2020) و توافق هسته‌ای را برخلاف توصیه اکثر متحدین و بسیاری از دستیاران ارشد خود و حتی به‌رغم پایبندی ایران کنار گذاشت.

خبرنگار نیویورک تایمز مدعی شده است استیو بنن، مشاور ترامپ از جان بولتون که ضدیتش با جمهوری اسلامی آشکار بود، خواست راهبرد خروج از برجام را تهیه کند. برگمن نوشت: سندی که بولتون تهیه کرد نه راهبرد، بلکه طرح توجیه خروج از توافق با ایران بود (Bergman, 2019). می ۲۰۱۸ چند هفته پس از انتصاب بولتون به سمت مشاور امنیت ملی، ترامپ از برجام، به‌عنوان میراث سیاست خارجی اوباما، خارج شد. در مجموع طیف‌هایی که در داخل امریکا، قدرت اجرایی و قانون‌گذاری را در اختیار دارند، بر این باورند که تلاش برای گفت‌وگو و معامله دیپلماتیک با ایران بی‌فایده است و امریکا برای حل مشکلات با ایران باید این کشور را هرچه بیشتر تحت فشارهای شدید چندجانبه قرار دهد تا از طریق تضعیف کارآمدی داخلی حکومت ایران، مقدمات «تغییر رژیم» در این کشور فراهم آید (موسوی‌شفایی و منفرد، ۱۳۹۸: ۱۷۴).

– فعالیت هسته‌ای کره شمالی

مقامات امریکایی بر این باورند که رهبران کره شمالی مردم خود را گرسنه نگه می‌دارند؛ از تروریسم حمایت می‌کنند و با قاچاق و سوءاستفاده گسترده از امتیازات دیپلماتیک اهداف خود را دنبال می‌کنند (اوه و هاسینگ، ۱۳۹۸: ۳۴۴). امریکایی‌ها همچنین از وجود شواهدی درباره حمایت تسلیحاتی کره شمالی از گروه‌های ضدصهیونیستی سخن می‌گویند (Poe, 2015). ناشناخته بودن شرایط تصمیم‌گیری در کره شمالی، ارزیابی نیت رهبران این کشور را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است؛ به همین دلیل از کره شمالی به‌عنوان دیرپاترین شکست‌نهادهای اطلاعاتی یاد می‌کنند (محمدشریفی و کریمی، ۱۳۹۸: ۱۲۷).

مهم‌ترین پیامد برنامه هسته‌ای کره شمالی که مقامات و نخبگان سیاسی امریکا از آن سخن می‌گویند اشاعه هسته‌ای است که محتمل است کره شمالی سلاح هسته‌ای یا فناوری ساخت آن را در اختیار دشمنان امریکا (ایران یا سازمان‌های تروریستی) قرار دهد



7) (Chanlett-Avery & Squassoni, 2006). حمله هسته‌ای کره شمالی به هاوایی یا آلاسکا از دیگر نگرانی‌های مقامات آمریکایی است (Clinton, 2009). حمله به ژاپن و کره جنوبی، تغییر نظم موجود، بقای رژیم و تسلط آن بر شبه‌جزیره از دیگر پیامدهای برنامه هسته‌ای کره شمالی عنوان شده است. خطر حمله متعارف نظامی کره شمالی نیز وجود دارد که رویارویی چین و آمریکا در شبه‌جزیره را در پی خواهد داشت (Menendez, 2013).

نکته مهم در ادراک مقامات آمریکا از برنامه هسته‌ای کره شمالی، هدف این برنامه است که از نظر آنها برای یک چیز، آن هم بقای رژیم و بازدارندگی مقابل آمریکا طراحی شده است. آنان معتقدند تحریم آسیب می‌رساند، اما موجب نمی‌شود که رهبران کره شمالی برنامه هسته‌ای را کنار بگذارند (Perry, 2018). بر این اساس، ارائه تضمین امنیتی به پیونگ‌یانگ در دستور کار رؤسای جمهور آمریکا بوده است. کلینتون، با تمرکز بر موضوع هسته‌ای و موشکی، مشوق‌هایی به کره شمالی ارائه داد تا به برنامه خود پایان دهد. نوامبر ۱۹۹۴ با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای و آغاز رقابت کنگره و کاخ سفید برای جهت‌دهی به سیاست خارجی، بودجه تعهدات آمریکا در توافق ۱۹۹۴ کاهش یافت.

بوش که منتقد جدی رویکرد تعاملی با کره شمالی بود، علاوه بر موضوع هسته‌ای، حکومت کره شمالی را نیز تهدید امنیتی عنوان و از ارائه مشوق اقتصادی یا دیپلماتیک که موجب حفظ رژیم شود، خودداری کرد. آنها حتی آماده و مایل بودند به کره شمالی حمله کنند (Feffer, 2003: 112). خطر افزایش سطح درگیری (CRS, 2003) و نیز ناکامی بوش در اثبات ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق باعث شد آمریکا موضع خود را در برابر کره شمالی تغییر دهد و مجدداً به گفت‌وگو روی آورد.

دولت اواما نیز به همان دلایلی که بوش نتوانست گزینه نظامی را انتخاب کند، در استفاده از زور محدودیت داشت. تحریم اقتصادی هم بدون همکاری چین مؤثر نبود. هرچند دولت اواما از ژوئیه ۲۰۱۱ تا فوریه ۲۰۱۲ سه دوره مذاکره با کره شمالی برگزار کرد، اما این گزینه به دلیل تجربه‌های ناکام دولت‌های کلینتون و بوش به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفت. باور بر این بود که تلاش دولت برای تعامل به کسب منافع سیاسی منجر نخواهد شد. در نتیجه اواما سیاست «صبر استراتژیک» را در قبال پیونگ یانگ دنبال کرد (Ahn, 2012: 76 - 78).

از زمان به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، آمریکا بین افراط و تفریط حرکت کرده است. از کلینتون تا اواما هیچ رئیس‌جمهوری چنان آشکارا کره شمالی را به حمله نظامی تهدید نکرد؛ ضمن اینکه هیچ‌یک هم اقدامی برای نشست مشترک با رهبر کره شمالی انجام

ندادند. مواضع غیرقابل پیش‌بینی ترامپ، عدم قطعیت در مورد اهداف و ابزارهای سیاست آمریکا را افزایش داده است. او ادعا می‌کند کره‌شمالی تهدیدی مرگبار برای آمریکا است، اما پس از آن با وجود عدم تغییر در اوضاع و احوال، سخن خود را نقض می‌کند و می‌گوید اینگونه نیست (Blackwill, 2019: 5). در واقع ارزیابی سیاست خارجی ترامپ با توجه به استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای بیان سیاست‌ها، پنهان‌کاری، تغییر مداوم مقامات ارشد و اختلاف نظر با دستیاران و مشاوران دشوار عنوان شده است (Haass, 2019: pv). بر همین اساس برخی کارشناسان احتمال می‌دهند ترامپ با اعطای امتیاز به کره‌شمالی، بدون انجام اقدام مشخصی از سوی این کشور، سیاست‌های خود را موفقیت‌آمیز جلوه دهد یا به جای تداوم سیاست خود، ناگهان به لغازی روی آورد و خواستار حصول توافق بعد از نابودی سلاح‌های هسته‌ای کره‌شمالی باشد (Blackwill, 2019: 68). در همین راستا دموکرات‌ها ترامپ را متهم می‌کنند که کنگره را از مذاکرات با کره‌شمالی مطلع نمی‌کند (NBCnews, 2019) و جمهوری‌خواهان درباره اعتماد به کره‌شمالی هشدار می‌دهند (CNN, 2018).

نتیجه‌گیری

فعالیت هسته‌ای ایران و کره‌شمالی در ربع قرن گذشته از موضوعات مهم در سیاست خارجی آمریکا بوده است. به‌رغم تفاوت هدف و میزان پیشرفت ایران و کره‌شمالی در حوزه هسته‌ای، دولت‌های کلینتون، بوش، اوباما و ترامپ از ابزارهای تحریم، تهدید و تعامل در برابر دو کشور بهره گرفتند. ارزیابی سیاست آمریکا نشان می‌دهد ایران از تهدید و تحریم سهم بیشتری داشته است؛ در حالی که رؤسای جمهور از کلینتون تا ترامپ بیشتر گزینه تعامل و مذاکره با کره‌شمالی را آزمودند. مطابق رئالیسم نئوکلاسیک انتخاب این گزینه‌ها متأثر از عوامل سیستمی (متغیر مستقل) و عوامل داخلی (متغیر میانجی) است.

منافع قدرت‌های رقیب آمریکا در عرصه بین‌الملل یعنی چین و روسیه در موضوع ایران و کره‌شمالی از عوامل مهم سیستمی است. این دو کشور برنامه هسته‌ای کره‌شمالی را نشئت گرفته از تهدید آمریکا علیه پیونگیانگ می‌دانند و هدف برنامه هسته‌ای ایران را استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای عنوان می‌کنند. چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت دارای حق وتو در شورای امنیت، بر پرهیز از به‌کارگیری گزینه نظامی علیه دو کشور تأکید دارند. مسکو و به‌ویژه پکن با توجه به منافع ژئوپلیتیکی، تشدید فشار اقتصادی علیه پیونگیانگ را رد می‌کنند و بر این باورند که گزینه‌های تشویقی در رویارویی با کره‌شمالی کارکرد بیشتری دارد. برخلاف موضوع کره‌شمالی که پکن نقش برجسته‌تری برعهده دارد، در



موضوع ایران، پکن دنباله‌رو مسکو است. چین و روسیه به‌رغم تأکید بر اهمیت دیپلماسی، با فشارهای اقتصادی آمریکا علیه ایران، بیشتر همراهی کرده‌اند. تحریم ایران، نه تنها سهم بیشتری از بازار ایران را در اختیار این دو کشور قرار داده است، بلکه روسیه را در بازار جهانی انرژی و چین را در دریافت تخفیف خرید نفت از ایران بهره‌مند ساخته است. علاوه بر این تداوم معضل هسته‌ای ایران، منطقه مهم خلیج فارس را برای رقیب دیرینه مسکو نا امن، و خاطر پکن را از توجه تام و تمام واشنگتن به شرق آسیا آسوده ساخته است. اتحادیه اروپا نیز در موضوع هسته‌ای ایران منافی دارد. نزدیکی جغرافیایی و نگرانی درباره خطر تسری ناآرامی در منطقه به اروپا، نیز پیشینه روابط کشورهای مهم اروپایی با ایران، باعث پیش‌گامی این اتحادیه در حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران شد. ناکامی در دستیابی به نتیجه مطلوب و منافع حاصل از پیوند با آمریکا، کشورهای اروپایی را به همراهی با تحریم‌های آمریکا در قبال ایران واداشت.

نکته دیگر منافع و مواضع متحدان منطقه‌ای آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران و کره شمالی است. در حالی که ژاپن و کره جنوبی در شمال شرق آسیا اغلب خواستار مذاکره و تعامل برای حل معضل هسته‌ای کره شمالی هستند؛ در جنوب غربی آسیا متحدان عرب و به‌ویژه صهیونیستی تشدید فشار علیه ایران و حتی استفاده از زور را به آمریکا پیشنهاد داده‌اند.

عوامل داخلی همچون ادراک نخبگان سیاسی و فکری، روابط کنگره و کاخ سفید نیز در تبیین سیاست آمریکا نقش مهمی دارد. امریکایی‌ها ایدئولوژی جمهوری اسلامی را دشمن تلقی می‌کنند و با اشاره به تاریخ روابط دو کشور بعد از انقلاب نتیجه می‌گیرند پیشرفت هسته‌ای احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را افزایش می‌دهد و در نتیجه منافع آمریکا در منطقه و حتی جهان به خطر می‌افتد. در سوی دیگر هرچند کره شمالی می‌تواند کرانه غربی آمریکا را هدف قرار دهد، اما نگرانند کره شمالی در نتیجه کنش آمریکا و متحدان آن، به این حمله دست بزند. نکته مهم‌تر برای امریکایی‌ها، فروش فناوری و تسلیحات هسته‌ای کره شمالی به کشورهای دشمن آمریکا است که با افزایش تنگنای اقتصادی کره شمالی محتمل است. از سوی دیگر برخلاف کره شمالی، ایران به اقتصاد بین‌الملل متصل است و تحریم علیه ایران کارآمدتر به نظر می‌رسد. نکته دیگر، رقابت نمایندگان کنگره برای کسب شهرت در زمینه سخت‌گیری علیه ایران است. بر این اساس لابی‌های عرب و به‌ویژه صهیونیستی تلاش فزاینده‌ای برای تأثیرگذاری بر مخالفت کنگره با هرگونه تعامل در قبال ایران به‌کارگرفته‌اند. نتیجه حاصل از عوامل سیستمی و داخلی، تشدید فشار علیه ایران و کاهش فشار علیه کره شمالی است.

منابع

- امینیان، بهادر؛ زمانی، حسام‌الدین (۱۳۹۶). **دیپلماسی اجبار آمیز**، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- اوه، دن کانگ؛ هاسینگ، رالف (۱۳۹۸). **کره شمالی آنسوی آئینه**، ترجمه مصطفی تاجزاده و عباس شاکری سیاوشانی، تهران: انتشارات کویر.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۸). اتحاد امریکا، اسرائیل و مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، **فصلنامه سیاست**، ش ۳: ۱۳۱ - ۱۵۴.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴). گفتگوی هسته‌ای ایران و اروپا، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۲۱۱ و ۲۱۲: ۷۱ - ۵۲.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۰). واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی ج.ا.ا، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۲۵(۲): ۱۰۷ - ۱۴۴.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۹). تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران: جایگزین جنگ یا مؤلفه اصلی مهار، **فصلنامه روابط خارجی**، ش ۴: ۴۷ - ۷۸.
- سلطانی‌نژاد، احمد؛ شاپوری، مهدی (۱۳۹۵). رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران، **فصلنامه روابط خارجی**، ش ۱: ۱۷۶ - ۱۴۵.
- سلطانی‌نژاد، احمد؛ زهرانی، مصطفی؛ شاپوری، مهدی (۱۳۹۱). سیاست چین در مناقشه هسته‌ای ایران و عوامل مؤثر بر آن، **مطالعات راهبردی**، سال ۱۵، ش ۴: ۱۴۳ - ۱۷۰.
- سلیمی، حسین؛ ابراهیمی، منار (۱۳۹۴). مبانی نظری، فرانظری و نقد نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، ۱(۱۷): ۴۲ - ۱۳.
- سند برجام (۱۳۹۵). پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، موجود در: <https://www.mfa.gov.ir/>
- عباسی، مجید؛ مرادی، حسین (۱۳۹۴). جایگاه کره شمالی در رقابت استراتژیک امریکا و چین، **سیاست خارجی**، ش ۱۱۶: ۱۱۰ - ۸۱.
- قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۷). **رویکرد قدرتهای بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران**، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- محمدشریفی، مجید؛ کرمی، امیرسعید (۱۳۹۸). باورهای بنیادین رهبران، برداشتها از تهدید و تخاصم ایالات‌متحده و کره شمالی، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، ش ۲۹: ۱۵۸ - ۱۲۵.
- موسوی شغائی، مسعود؛ منفرد، قاسم (۱۳۹۸). نئوجکسونیسم؛ الگوی سیاست خارجی آمریکا در دوران دونالد ترامپ، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال پانزدهم، ش ۱: ۱۴۶ - ۱۷۹.
- مولایی، یوسف؛ زرگری، هادی (۱۳۹۵). روسیه و شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۹۴: ۱۰۳ - ۱۳۱.



- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان، ترجمه و انتشار: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس، خرداد.
- نوروزی، نورمحمد؛ رومی، فرشاد (۱۳۹۳). چشم‌اندازی روسی به روابط ایران و روسیه، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ش ۱: ۱۱۷ - ۹۳
- Ahn, Taehyung (2012). 'Lethargy?: U.S. Policy toward North Korea under the Obama Administration', North Korean Review, Volume 8, Number 1, pp. 67-83.
- Albright, Madeleine (1997). 'Nomination to be Secretary of State', Senate Hearings, 103TH Congress, January 22.
- Aspin, Les (1993). 'The Defense Department's New Nuclear Counterproliferation Initiative', Address To The National Academy Of Sciences, Washington, D.C., December 7.
- Barnes, Joe; Barron, Robert (2018). 'Trump Policy in the Middle East: Iran', Issue Brief, Rice University's Baker Institute for public policy, march, 23.
- Bayh, E. (2007). 'Safeguarding the atom', Senate Hearing, 110TH Congress, July 31.
- Beal, Tim (2005). North Korea: The Struggle Against American Power. London: Pluto Press. First Published.
- Bergman, Ronen (2019). 'The Secret History of the Push to Strike Iran', nytimes, Sept. 6.
- Berman, Ilan (2005). Tehran Rising: Iran's Challenge To The United States, Lanham: Rowman & Littlefield Publishers.
- Bermudez, J. (1999). 'Exposing North Korea's Secret Nuclear Infrastructure—Part One', Jane's Intelligence Review, July.
- Blackwill, Robert D. (2019). 'Trump's Foreign Policies Are Better Than They Seem', Council on Foreign Relations. Council Special Report No. 84.
- Bush, George W. (2007a). 'Remarks at the American Legion National Convention in Reno, Nevada', August 28. available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/WCPD-2007-09-03/pdf/WCPD-2007-09-03-Pg1124-2.pdf>
- Bush, George W. (2007b). 'The President's News Conference', October 17. available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/WCPD-2007-10-22/pdf/WCPD-2007-10-22-Pg1350.pdf>
- Chanlett-Avery, Emma & Squassoni, Sharon (2006). 'North Korea's Nuclear Test', CRS, October 24.
- Clawson, Patrick (2007). 'Iran: weapons proliferation, terrorism, and democracy', Senate Hearings, 109th Congress, may 19.
- Clinton, Hillary (2009). 'Nomination to be secretary of state', Senate Hearings, 111th congress, January 13.

- CNN (2018). 'Republicans in Congress caution Trump against trusting North Korea', June 12.
- CRS (2003). 'Military Options and Issues for Congress', Report for Congress, Code RS21582, July 29.
- CRS (2012). 'Israel: Possible Military Strike against Iran's Nuclear Facilities', Report for Congress, R42443, Sept. 28.
- CRS (2017). 'The North Korean Nuclear Challenge: Military Options and Issues for Congress', R44994, November 6.
- Davenport, Kelsey (2018). 'The Six-Party Talks at a Glance', June, available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/6partytalks>
- Economy, Elizabeth (2018). 'Russia's Role on North Korea: More Important than You Might Think', cfr, June 7.
- Einhorn, Robert (2013). 'Getting to 'Yes' with Iran,' Foreign Policy, July 10.
- Fayazmanesh, Sasan (2008). The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment, NYork: Routledge.
- Feffer, J. (2003). North Korea, South Korea: U.S. Policy at a Time of Crisis. New York: Seven Stories Press.
- Glaser, Bonnie (2008). 'The North Korea Nuclear Crisis and U.S.—China Cooperation', CSI Studies, January.
- H. R. 5434(1992). 'Iran-Iraq Arms Non-Proliferation Act of 1992'.
- Haass Richard N. (2019). In: 'Trump's Foreign Policies Are Better than They Seem', by, Robert D. Blackwill, Council on Foreign Relations. Council Special Report No. 84 pv
- Hayes, & Moon (2015). 'Korea: Will South Korea's Non-Nuclear Strategy Defeat North Korea's Nuclear Breakout?', in: Shultz&Goodby(Ed.), The war that must never be fought, Hoover Institution at Leland Stanford Junior University.
- Hersh, S. (2006). 'The Iran Plans', Newyorker, April 17.
- Hilpert, Hanns & Meier, Oliver (2018). 'Facets of the North Korea Conflict, Actors, Problems and Europe's Interests', German Institute for International and Security Affairs, December 12.
- Hyun, Kim (2017). 'Comparing North Korea Policies of The Obama And Trump Administrations', volume 39: 69 - 45.
- Javadi Arjmand, Marzieh (2014). 'The Role of Congress in U.S. Foreign Policy toward Iran: Analysis of Congressional Sanctions', Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 5, No. 2, pp. 29.
- Joyner, D. (2005). 'The Proliferation Security Initiative', Yale Journal of International Law, Volume 30, Issue 2, pp: 507 - 548.
- Katzman, Kenneth (2015). 'Iran, Gulf Security, and U.S. Policy', CRS, May 19. available at: https://www.everycrsreport.com/files/20150519_RL32048_a2c8c61ae5b83fef288419afd0770b67ea11a5b0.pdf



- Katzman, Kenneth (2019). 'Iran Sanctions', CRS, RS20871. Updated July 12, available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>
- Kwon, Bo Ram(2016). 'The Conditions for Sanctions Success:A Comparison of the Iranian and North Korean Cases',The Korean Journal of Defense Analysis,Vol. 28,No. 1,139–161.
- Leventhal, Paul & Dolley, Steven (1994). 'The North Korean Nuclear Crisis', Global Survival 1994; Vol. 1, PP: 164 - 174.
- Litwak, Robert (2019). 'Nuclear Crises with North Korea and Iran', Woodrow Wilson International Center, September.
- Mceachern, Patrick & Jaclyn (2018). North Korea, Iran, and the challenge to international order a comparative perspective, New York: Routledge, first published.
- Menendez, Bob (2013). 'U.S. Policy toward north korea', Senate Hearings, 113th congress, March 7.
- Miller, Steven & Bunn, Matthew (2014). 'Interpreting the Implacable Foe: American Perceptions of Iran', in: Maleki and Tirman (Ed.), U.S.-Iran misperceptions a dialogue, Bloomsbury Publishing, First published.
- NBC news (2019).Democrats say Trump is keeping Congress in the dark on North Korea', Feb. 22.
- Nikitin, Mary Beth et al (2017). 'Nuclear Negotiations with North Korea: in brief', CRS, December 4.
- O'Driscoll, K. (2010). Bomb, Sanction, or Negotiate: Understanding U.S.Policy Towards NK, Georgetown University.
- Obama, Barack (2009). 'Remarks in Prague, Czech Republic'. April 5. available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/DCPD-200900228/pdf/DCPD-200900228.pdf>
- Obama, Barack (2013). 'Remarks to the United Nations General Assembly', September 24.
- Obama, Barack (2015). 'Remarks by the President on the Iran Nuclear Deal', American University Washington, August 5. available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/08/05/remarks-president-iran-nuclear-deal>
- Obama, Barak (2014). 'State of the Union Address', January 28. available at: <https://www.cbsnews.com/news/obamas-2014-state-of-the-union-address-full-text/>
- Pardo, Ramon (2018). 'North Korea's Denuclearization:Is There a Role for Europe?', March 26, available at: <https://www.38north.org/2019/03/rpachecopardo032619>
- Parsi, Trita (2007). Treacherous Alliance: The Secret Dealings of Israel, Iran and the US". Yale University Press.
- Peck, Michael (2018). 'This is America's Top-Secret Plan to Crush North Korea in a War Welcome to OPLAN5015', Nationalinterest, February 11.

- Perry, William (2018). 'What Trump could learn from my attempts to denuclearize North Korea', washingtonpost, March 12.
- Pletka, D. (2006). 'End Tehran's Free Ride', Sept.7, available at: <http://www.aei.org/publication/end-tehrans-free-ride/>
- Poe, Ted (2015). 'North korea: back on the state sponsor of terrorism list?', House of Representatives Hearing, 114TH Congress, October 22.
- Pollack, K.(2004).The Persian Puzzle. The Conflict between Iran and America, NY: Random House Trade Paperbacks.
- Reardon, Robert (2012). Containing Iran: Strategies For Addressing The Iranian Nuclear Challenge", The Rand Corporation.
- Reuters (2018). 'Saudi Arabia says backs U.S. decision to withdraw from Iran nuclear deal', May 8.
- Rice, Condoleezza (2005). 'Nomination to be secretary of state', Senate Hearings, 109th congress, January 18 and 19.
- Riley-Smith, B. (2017). 'Exclusive: US making plans for 'bloody nose' military attack on North Korea', Telegraph, Dec20.
- Rose, G. (1998). 'Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy', World Politics.
- Sanger, David (2000). 'U.S. Ending a few of the sanctions imposed on Iran', New York Times, March 18.
- Sebenius, J. K. & Singh, K. (2012/13). 'Is a Nuclear Deal with Iran Possible?', International Security, Vol. 37, No 3, 52-91
- Simon, Steven (2018). 'Iran and President Trump: What Is the Endgame? ', Survival: Global Politics and Strategy August-September, <https://www.iiss.org/publications/survival/2018/survival-global-politics-and-strategy-augustseptember-2018/604-02-simon>
- Sobelman, Daniel (2018). 'Restraining an Ally: Israel, the United States, and Iran's Nuclear Program, 2011-2012', texas national security review: vol1, issue (august).
- Sokolsky & Miller, Aaron (2019). 'Saudi Arabia and Israel Are Pushing US to Confront Iran', carnegieendowment, May 21.
- Taliaferro, J. (2006). Neoclassical Realism: the psychology of great power intervention. In J. Sterling Folker (Ed.), Making Sense of International Relations Theory. Boulder, Co: Lynne Rienner.
- The Iran Project (2012). 'Weighing Benefits and Costs of Military Action against Iran', Wilsoncenter.
- The Newyork Times (2002). 'Rumsfeld Says, if Necessary, U.S. Can Fight 2 Wars at Once,' December 23.
- The Newyork Times (2017). 'Saudis Welcome Trump's Rebuff of Obama's Mideast Views', May 20.
- The Newyork Times (2019). 'Israel's Netanyahu Indicted on Charges of Fraud', Nov. 21.



- Theguardian (2017). 'Donald Trump vows to answer North Korea nuclear threats with 'fire and fury'', Aug.9
- U.S. Counterproliferation Policy (2005). 'Meeting', Jan27, available at:<https://www.wilsoncenter.org/event/us-counterproliferation-policy>
- United States (1997). (2002). (2006). (2015). (2017). 'The national security strategy of the United States of America', available at:<http://nssarchive.us>
- US Department of State (1994). 'Agreed framework ', October 21.
- US Department of State (2002). 'Daily Press Briefing', December13.
- Whitehouse (2003). 'Press Briefing by Ari Fleischer', February 7.
- Whitehouse (a) (2018). 'Joint Statement', June 12.
- Whitehouse (b) (2018). 'Fact Sheets', May 8.
- WikiLeaks (2008). 'Saudi King Abdullah and Senior Princes on Saudi Policy toward Iraq', April 20, available at: https://wikileaks.org/plusd/cables/08RIYADH649_a.html
- Wit, J.; Poneman, D.; Gallucci, R. (2004). 'Going Critical: The First North Korean Nuclear Crisis', Brookings institution press.
- Wohlforth, W. (1993). The elusive balance: power and perceptions during the cold war, Ithaca, NY; Cornell University Press.
- Wright, Thomas (2020). 'How Donald Trump thinks about Iran', brookings, January 7, 2020, <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/07/how-donald-trump-thinks-about-iran/>
- Yilmaz, Serafettin (2015). 'The Iranian nuclear dilemma: A Comparative analysis of Chinese and US strategy', International Journal of China Studies, January.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی